

سازمان چريکهاي فدائي خلق ايران - شاخه کردستان

دوره جديد ، شماره ۱۰

شهر يورماه ۱۳۶۲

۱۶ صفحه

همله تهرمانانه پيشمرگان دليبر فدائي ، به پایگاه

قلاوا - منطقه بوکان

همزمان با مالگردنهادت دو نفر از پيشمرگان دليبر سازمان چريکهاي فدائي خلق ايران رفتاي فدائي انور اعظمي و جواد کاشي که سال گذشته در نبردي تهرمانانه عليه مزدوران رژيم خونآشام خميني در منطقه بوکان به شهادت رسیده بودند ، چند دسته از پيشمرگان تهرمان سازمان چريکهاي فدائي خلق ايران شبانگاه ششم شهر يورماه با بسک بوم از پيش طرح ريزي شده به پایگاه قلاوا در اطراف منطقه بوکان يورش آوردند و ضمن منهدم نمودن قسمتي از پایگاه با سلاح هاي نيجه سنگين و سبک نظير آر بي جي هفت ، نارنجک انداز و مسلسل دستي ارتشيان ، جاشها و پاسداران مستقر در پایگاه را زير آتش سهمگين خود گرفتند و عده زيادي از آنان را کشته و زخمی نمودند.
در صفحه ۱۲

سوسياليسم دهفدائي در پيروي از «مارکسيسم انقلابي»

ما مصمم هستيم که ريشه هرگونه انحراف را از درون جنبش کمونيستي و کارگري ايران برکنيم . ما کمر بسته ايم که با دفاع بلاوقفه از سوسياليسم علمي و استقلال طبقاتي کارگران ، بدون گذشت به سببها و عليه همه و هرگونه انحراف از مارکسيسم - لينينيسم بمشابه يگانگه ايدئولوژي برحق و علمي طبقه کارگر ادامه دهيم . و بپروچمانه - ايدئولوژيهاي غير پرولتري را که خود را به لباس مارکسيسم آراسته اند افشاء و طرد و منزوي سازيم . ما در امر اجرائي وظيفه خطير خود يعني تشکيل و آگاهي طبقه کارگر و رهبري اين طبقه تا نيل به سوسياليسم و کمونيسم توفيق نخواهيم يافته مگر آنکه در هر گام بهما بپروچمي که عليه بورژوازي پيکار ميکنيم به افشاء و طرد ايدئولوژي
در صفحه ۲

سازمان چريکهاي فدائي خلق در شهادت شهيد بزرگ (کربلایي) شاد

۱۷ شهريور روز وحشت شاه از قيام توده ها

با اوج گيري اعتراضات سراسري توده هاي بسيا خاسته ايران و شهرستان فزاينده اي که رژيم منفور پهلوي را فرا گرفت ، شاه جلاد که سرنگوني خود را نزديک ميديد ، زماني که تمامي حيله و نيرنگهايش براي فرو نشاندن مبارزات توده ها نقش بر آب شد گشتار مردم را شدت بخشيد و فاجعه ۱۷ شهريور را آفريد . اين راه و رسم تمامي رژيمهاي سرتجمع از منافع سرمايه داران است . رژيم شاه با گشتار و خشيانه مردم در صفحه ۱۱

از تبار اب انير بياموزيم

روبيدماي نظامي ميگ ما هستيم
اخير در کردستان و نيوالاتي که طي اين مدت بتوقوع پيوسته است ضرورت است بر خورد مجدد را به مسئله جنگ در کردستان و اصول اساسي که با پديد آمدن تاکتيکهاي نظامي حمله کنونی سوسياليسم حاکم با شدا لزام آورده است .
نبروشي که بخواهد در اين مرحله از جنگ که رژيم ارتجاعی ما کم دست است با یک تعرض گسترده و همه جانبه در کردستان نزده است نقش فعالی در جنبش ايفانما پيدا به ما پيلست .
تعرضات نظامي رژيم برخيزد .
در صفحه ۲

هشدار به مجاهدین خلق در صفحه ۳

در اين شماره

پد کودتاي شيلى ، شکست دولت آلند و ورشکستگي رژيم .

پادشدهاي ، رومتاي قارنا گرامی باد .

پودداری سازادی و شيریک له بیکه س

سازمان چريکهاي فدائي خلق ايران
سازمان چريکهاي فدائي خلق ايران

ده هوو ميلله تپک ماقي دپاري کردني چاره نوسسي خوي هه يه

از تجارب اخیر پیاموزیم

از صفحه ۱

توده مردم را در مبارزه علیه آن بسیج کند و برای بکشمرب متقابل آماده شود ، بابت واقعیت تفصیلاتی را که جنگ طی یکی ، دو و سال گذشته در کردستان طی کرده است در نظر گیرد مرحله کنونی آنرا بشناسد و تاکتیکهای ویژه آنرا بکار بندد این تفصیلات را میتوان بهینین خلاصه کرد : دشمن تعرض - استراتژیک خود را آغاز کرده است مناطق وسیعی را با اشغال خود در آورده است . نیروی پیشمرگه در وضعیت دفاع استراتژیک قرار دارد و شکل عمده جنگ پیش از پیش با رتیزانی میگردد . در این مرحله منطقه اصلی عملیاتی پیشمرگه خطوط خارجی است و اهل اساسی حاکم عملیات باید حفظ نیروهای خود بمشوره آوردن ، خسته و فرسوده کردن نیروی دشمن از طریق وارد آوردن یک سلسله ضربات مداوم و لاینقطع بآن با تکیه بر تاکتیکهای تعرضی و سرانجام تدارک سیاسی و نظامی برای تعرض متقابل در مرحله تعرض استراتژیک باشد . از اینرو بقا و رشد جنبش طی این مرحله در این است که نیروی پیشمرگه بسا ضربات مداوم خود لحظه ای دشمن را که اینک با عمق منطقه وسیعی گشیده شده است آرام نگذارد .

نیروهای آنرا در معرض ضربات مداوم قرار دهد ، کمین گذاری کند واحدهای در حال حرکت آنرا متلاشی کند ، آرامش را از واحدهای مستقر آن بگیرد . به پایگاههای آن ضربات سریع و برق آسای مداوم وارد آورد . غافلگیرانه به مراکز تجمع آن یورش برد . در مسیر عبور و مرور نیروی آن مین گذاری کند ، خطوط ارتباطی آنرا مختل کند و تمام منطقه را برای آن نا امن سازد . روشن است که دشمن نیز بیکار نخواهد نشست ، تلاش خواهد کرد که بر تعرضات خود نسبت به مناطق زاده شده بیافزاید تا امکانات متعدد پیشمرگه را محدود سازد و در جهت خنثی کردن عملیات تعرضی نیروهای پیشمرگه در مناطق پشت جبهه وارد آوردن ضربات بآن ، عملیات محاصره و سرکوب را

پیش از پیش در دستور کار قرار دهد . نظری به رویدادهای یکماهه اخیر در جنگ کردستان از جمله تعرض سریع و گسترده رژیم بسا منطقه که ورگ و اشغال برخی مناطق آزاد شده و نیز شهادت ۱۶ تن از پیشمرگان حزب دمکرات کردستان - ایران در منطقه لیلخ سنندج طی یک عملیات محاصره و سرکوب رژیم به خوبی اهداف نظامی و تاکتیکی اساسی رژیم را طی مرحله کنونی جنگ نشان میدهد . از یکسو رژیم میکوشد مناطق آزاد شده را پیش از پیش محدود کند و در همان حال تلاش میکند با توسل به عملیات محاصره و سرکوب پیشمرگانی را که در خطوط پشت جبهه عملیات نظامی انجام میدهند ، سرکوب کند این رویدادها در عین حال بیانگر این واقعیت نیز میباشد که هر چند نیروهای مختلفی که در جنبش انقلابی خلق کرد در حال مبارزه اند بدرجات مختلف بر سر مرحله کنونی جنگ و تاکتیکهای ویژه آن اتفاق نظر دارند با این وجود هنوز این مرحله ، تاکتیکهای آن و خصوصیات ویژه این تاکتیکها بدرستی درک نشده است .

هنوز عمیقاً این واقعیت درک نشده است که امروز حفظ مناطق آزاد شده با همان تاکتیکها و شرایط گذشته امکان پذیر نیست . دشمن با استفاده از نیروهای وسیع ، سلاحهای پیشرفته تر ، و تاکتیکها و تکنیکهای جدید تری به مناطق آزاد شده یورش می آورد - بنا بر این دفاع از مناطق آزاد شده نیازمند تاکتیکهای نویسن هوشیاری بیشتر و امکانات گسترده تر است و از سوی دیگر باید اصول حاکم بر عملیات نظامی در جنگ پارتیزانی با دقت تمام رعایت شود . و عملیات نظامی پشت جبهه دشمن مستلزم هوشیاری کامل ، حمله مخفیانه و غافلگیرانه تریه برق آسا ، پایان بخشیدن سریع به نبرد و ترک فوری منطقه عملیاتی است .

هوشیاری اولین و اساسی ترین شرط برای اجرای موفقیت آمیز عملیات نظامی یک واحد پیشمرگه است . یک واحد پیشمرگه که در پشت جبهه دشمن حرکت میکند باید در تمام حالات ، هنگامیکه عازم انجام عملیات نظامی است هنگامی

که از یک روستای واقع در خطوه خارجی گذر میکند ، در یک روستا یا گوه استراحت میکند هنگامیکه بدین عملیه میکند و به منطقه عملیاتی را ترک نمی نماید هوشیاری خود را بطور مداوم حفظ کند . یک واحد پیشمرگه با پشت مراقب تمام حرکات دشمن باشد مراکز رفت و آمد و کمین گذاری آنها را بداند . به دشمن کم بها ندهد و ... هوشیاری در معنای وسیع خود که توأم با شناخت دقیق باشد ، اصلی ترین و اساسی ترین مسئله برای حرکت یک واحد پیشمرگه است . پس ضروریست که پیش از مرحله کنونی عملیات کلا مخفیانه بمرحله اجرا در آید . اجرای مخفیانه عملیات هم مستلزم مخفی کاری در زمینه طرح و نقشه و هم اجرای عملیات است یعنی که نه نیروهای دشمن و نه جاسوسان آن هیچیک نتوانند متوجه عملیات شوند . علاوه بر این جنبه غافلگیرانه در عملیات اصل مهم دیگر است که باید بر عملیات نظامی در مرحله کنونی حاکم باشد . یک واحد پیشمرگه باید غافلگیرانه بر نیروهای نظامی رژیم و هدفهای نظامی آن یورش برد . ابتکار عمل را از دست او بگیرد و اجازه ندهد که از خود واکنش نشان دهد . اما اصل غافلگیری مستلزم سرعت عمل است . باید عملیات نظامی به شکل برق آسا انجام پذیرد و سررا به نبرد پایان داده شود . چرا که اگر در مرحله کنونی انجام یک عملیات بدر از آن بکشد با توجه باینکه عملیات در خطوط خارجی انجام میگردد و پیشمرگه در محاصره پایگاههای دشمن دست به عملیات میرسد ، این امکان برای رژیم وجود خواهد داشت که نیروی وسیعی را از پایگاههای اطراف به محل درگیری اعزام کند ، از واحدهای هوای خود استفاده کند و حتی واحد پیشمرگه را بمحاصره خود در آورد . و سرانجام تسرک سریع منطقه عملیات و دور شدن از منطقه درگیری اصل بسیار مهم دیگر است که باید بر عملیات واحدهای پیشمرگه حاکم باشد . در مرحله کنونی جنگ دیگر نمیتوان پس از انجام یک عملیات آرام - آرام محل درگیری را ترک کرد و یا در روستاهای اطراف نقطه درگیری

حق ملل در تعیین سرنوشت خویشی حق مسلم آنهاست

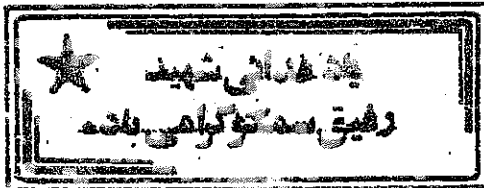
از تجارب اخیر یلغوزیم

استراحت کرد. تا اکنون نمونه‌های متعدد نشان داده است که در چنین مواردی دشمن با اقدام دست به تعقیب پیشمرگه میزند و یا می‌کوشد منطقه وسیعی را تحت محاصره و کنترل خود در آورد. از اینرو با رعایت دقیق این اصول و موازین است که می‌توان نیروی خود را حفظ کرد، ضربات مداوم دشمن وارد آورد، نیروی آنرا خسته و فرسوده و مایوس نمود و برای یک تضرع استراتژیک آماده شد. اما برخی از وقایع نظامی یک گذشته نشان میدهد که هنوز در برخی موارد با مشکلات گذشته برخورد میشود. اگر مرحله کنونی جنگ، اهداف و تاکتیکهای نظامی دشمن بدرستی درک نشود و تاکتیکهای منطبق بر مرحله کنونی اتخاذ نگردد، تمام تلاشهای نظامی رژیم غشی خواهد شد و از ضربات سنگین به پیشمرگه جلوگیری خواهد شد. تنها با آموختن از تجارب اخیر است که میتوان زمینه را برای پیروزیهای بیشتر و سریعتر خلق کرد فراهم ساخت.



مستشاران به مجاهدین خلق

اخيراً سازمان مجاهدین خلق دست به تکثیر و انتشار نشریاتش با نام و آرم سازمان مایا منصور مجاهداری از شورای ملی مقاومت زده است. ما ضمن محکوم کردن این اقدام مجاهدین به آنهاستادار می‌دهیم که دست از این اعمال پلید و توطئه‌گرانه خود بردارند و از هم اکنون اسلام می‌کنیم با با هر کسی که این نشریات را پخش کند، شدیداً برخورد خواهد کرد.



از منطقه ۱۹

را بیان نمودیم. این از تمام ۲۲ بهمن و سر نکونی رژیم شاه به سازمان چریک های فدائی خلق ایران پیوسته و فصل تازه‌ای را در مبارزه‌اش بسراید. راهی کارگران و زحمتکشان و رسیدن به دمکراسی و سوسیالیسم گشود. بعد از پیروزی اول رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی در ۲۸ مرداد ۵۸ به تشکیل هسته‌های مخفی مقاومت در شهر بوکان پرداخت و در عملیات متهورانه ای که منجر به مسدود شدن عناصر خود فروخته (جاشها) و انهدام مقرهای مزدوران می‌شد فعالانه شرکت می‌جست.

رفیق پس از بدست گرفتن شهرها توسط نیروهای انقلابی و پیشمرگان تجارب گرانبھاشی را در زمینه کارهای نظامی در شهرک سیاران بدست آورد. شرکت فعالانه او در جنگهای دارساروین، دره قاسطو، شهرهای سقر و بانه دلیل بارز شکارت و هوشمندی رفیق بود پس از خیانت جریان موسوم به اکثریت رفیق مجدداً در کنار همسنگران خود در سازمان قرار گرفت و بار دیگر در حیطه عمل وفاداری خود را به آرمان کارگران و زحمتکشان به ثبوت رسانید. و سرانجام در روز ۱۲ شهریور ماه سال گذشته هنگامیکه فرماندهی عملیات رفقای پیشمرگه را در شهر بوکان بسپرده داشتند گلوله پاسداران ارتغام و غارتگران جمهوری اسلامی قلب پر مهرش را از پیش انداخت.

یادش را با ادامه مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری جمهوری دمکراتیک خلق گرامی می‌سازیم.



پیروزی و حشانه رژیم به منطقه که ویران آباد مقاومت

میشناسند در منطقه جنوب غربی شهر رفقای سازمان ما از ساعت ۶/۵ صبح شروع سختی را با مزدوران جمهوری اسلامی آغاز نمودند. دشمن ابتدا با تلفات سنگینی دست به عقب نشینی زد، اما ساعت بعد با یک طبله همه جانبه در حالیکه سنگرهای رفقای پیشمرگه را مورد حمله آتش اطعمه‌های سنگین خود قرار داد. در این حمله ارتفاعات و آوارها، و مرسی گردید در جهدهای دیگر نبرد پیشمرگان گوماله علی الخصوص در جاده تصویب به گنده‌کن ضربات محکمی به نیروهای دشمن وارد می‌سازند، و برآورد گزارش رادبو گوماله تعداد تلفات دشمن بیش از ۲۵۰ شده بوده است. روز بعد نیز رفقای پیشمرگه سازمان در ارتفاعات گنده‌کن نه تنها قهرمانانه خود را حامیان سرمایه و دشمنان خلق را ادامه میدهند رفقا با طرح یک ضد حمله موفق پس از نندن مزدوران از ارتفاعات مذکور شده و تعدادی از آنها را کشتند و زخمی نمودند. رفقای پیشمرگه کسب زخمی شدیدیترین اسلحه‌های سنگین و عتکته پی در پی علیه کویتهای دشمن قرار داشته هرگونه پیروی را از دشمن طلب می‌نمایند، دشمن زبون که برای حمله با پیشمرگان یا بداهت شروع به خمپاره باران و توپ باران روستاهای موسی و گندما میکند. چند ساعت بعد در حالیکه مغولوار به مردم بی دفاع شلیک می‌نمایند وارد روستاهای موسی و گندما گندمان میشوند، بقرار اطلاع به هنگام ورود به روستاهای خورخوره سازگه و موسی مردم را از خانه‌ها بیرون کشانده و صن هتاکو و اذیت این روستا میان زحمتکش غارت میشود و آنگاه شگافهای تبلیغاتی ارتجاع حاکم از آنها بنام وسائل معادله شده به اصطلاح ضد انقلاب اسم می‌دهد.

در ادامه این عملیات شب شبانه ۱۹ شهریور ماه گذشته، دشمن در روستاهای نهستان و ... به کمپین پیشمرگان حزب دمکرات می‌افتد و با نادن تلفات بسیار سنگین و بجای گذاشتن بیش از ۷۰ ضد عقب نشینی می‌نمایند در این عملیات پیشمرگان

خروج گسترده تر با اتحاد عمل نیروهای دنیوی و انقلابی

تاریخ

پروسیالیسم دهفانی در روش مبارزه مارکسیسم انقلابی

از صفحه ۱

های غیر پرولتری در جنبش طبقه کارگر بروداریم. اکنون با قطعیت میتوان گفت که ما در این زمینه گامهای مؤثری برداشته ایم و بسه پیروزیهای شگرف و قابل ملاحظه ای نیز سائل آمده ایم. ما بخود میسالیسم که پراز مبارزات مداوم و مستمر خود در سالهای اخیر علیه - اپورتونیسیم و جلوه های گوناگون آن که جنبش کارگری و کمونیستی ایران بیگانه سازمانی هستیم که پیروزمندان پرچم استقلال طبقاتی کارگران را بر دوش می کشیم. روشن است که این تلاش و مبارزه - نمیتواند خشم و غضب مدعیانان دروغین مارکسیسم را بر نیانگیزد و حاملین سوسیالیسم خرده بورژوازی را که موجودیت خود را در برابر این مبارزه در خطر می بینند مرعوب و هراسناک نماید. این است انگیزه تمام حملاتی که امروز از چپ و راست به ما وارد میشود. از همین زاویه است که باید موضع گیریهای اخیر کومله و یک گروه دیگر تمام اتحاد مبارزان را علیه سازمان مورد بررسی قسرار داد.

مدتی بود که سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان (کومله) و یک گروه دیگر بنام اتحاد مبارزان کمونیست (سهند) تحت عنوان - "مارکسیسم انقلابی" بد رجز خوانی برخاسته بودند. آنها که در - بحبوحه مبارزه همه جانبه سازمان ما علیه اپورتونیسیم راست بسسه سرمداری حزب توده که خطر عمده ای برای جنبش ما محسوب میشد در کردستان جا خوش کرده بودند و - کالای قاچاقی سوسیالیسم خرده - بورژوازی را زیر پرچم "مارکسیسم انقلابی" حمل میکردند. اکنون که با اولین حملات ایدئولوژیک مسا روبرو شده و خطر را از هم اکنون احساس کرده اند عنان اختیار را از دست داده و سرآمیده و وحشت زده دست به واکنشهای عصبی زده اند. آنان که توان مقاومت و ایستادگی در برابر ایدئولوژی مستحکم و منسجم طبقه کارگر را در خود نمی بینند و بخوبی آگاهند که سسه ایدئولوژی خرده بورژوازی آنها تاب تحمل در برابر ایدئولوژی -

طبقه کارگر را ندارد و در برابر موج مبارزه ایدئولوژیک ما سرعت در هم خواهد شکست و هرگونه اش به سوئی پرتاب خواهد شد. یگانه راه و چاره خود را در واکنشهای عصبی جنجال آفرینی و بارانی از تهمت و افترا یافته اند که نمونه آن - اخیرا طی بیانیهای از سوی کومله و سهند انتشار یافته است. آری منطق خرده بورژوازی چنان است که چون حقانیتی ندارد، چسبون ایدئولوژی مستحکمی ندارد، بزودی از جا در می رود و راه و چاره را در جنجال و هیاهو می بیند. هنگامیکه نمایندگان واقعی طبقه کارگر را در برابر خود نمی بینند رجز می خوانند، هیاهو می میکنند ادعای نمایندگی طبقه کارگر را - میکنند و فریاد بر می آورند که سسه جریان ما در دنیا نظیر ندارد. ما اکنون سکاندار انقلاب جهانی هستیم ما بلشویکهای عصر نوین ایم، مسا می خواهیم اشتراک سوتال نویسی بسا بسا کنیم، اما بعضی اینک بسا نمایندگان واقعی طبقه کارگر - روبرو گردید و آندک نسیم ملازمی در جهت مخالف وزیدن گرفت تاب - مقاومت را از دست میدهد. از جا در می رود، عصبانی میشود، شورش را در می آورد و تنها راه و چاره - اش را در این می بیند که شلوغش کند و داد و بیداد راه بیاندازد که بلسه هر کس که با ایدئولوژی ما بمخالفت بر خیزد "توده ای" است. اینها توده ای اندو... تا شایسته فرجی شود. اما منطق پرولتاریسا چیز دیگری است. عصبانی نمیشود. از کوره در نمی رود، شلوغش نمیکند و چون ایدئولوژی مستحکم علمی دارد با استدلال محکم و - متین خود هرگونه ایدئولوژی غیر پرولتری را مفتضح و بی اعتبار میسازد. پرده از چهره سوسیالیسم خرده بورژوازی بر میدارند. آفشاه - مدافصین و حاملین آنرا آفشاه - میکنند و سر جای خود می نشاندند. مبارزه طبقاتی منطق خامی خود را دارد. هیچ ملاحظه ای در کار نیست و هیچ رنجی نمیتواند در تداوم این مبارزه وقفه ایجاد کند. بر این مبنا باید به بیانی کومله و سهند پاسخ داد. اما برای اینکه خوانندگان نشریه بیشتر در جریان

سوابق مصاحفات اخیر ما با کومله و سهند قرار نمیرند متذکر میشویم که در خرداد ماه سال ۱۳۶۱ یکماه پس از انتشار برنامه کومله و سهند تحت عنوان "برنامه حزب کمونیست" مبنای این برنامه و ما هیتا از سوی شاخه کردستان از زمان مادر مقاله ای تحت عنوان "تاریک تو" از برنامه حزب کمونیست" مورد نقد و بررسی همه جانبه قرار گرفت. در این نقد بر نکات بسیار مهم و اساسی انتقادات کومله و سهند در برنامه انگشت گذارده شده بود و نشان داده شده بود که این برنامه نه تنها از روشی واقعیتناشده است بلکه تراوش مغز توده ای روشنفکر است. از اینرو نه بدرد مبارزه می خورد و نه شایستگی نام "برنامه حزب کمونیست" را دارد. در همین جا بطور حاشیه ای متذکر شویم که اگر حقیقتا کومله و سهند نه در پی منافع گروهی و محفلی خود بلکه در پی منافع طبقه کارگر بودند میبایستی پیش از آنکه این سند را تصویب کنند در سطح جنبش بسه بحث می گذاشتند تا مورد بررسی همه جانبه سازمانها و گروههای عمل قرار میگرفت اما آنها نه تنها چنین نکردند بلکه هنگامیکه این برنامه از سوی ما مورد نقد قرار گرفت و ما هیتا آن بر ملا گردید از پاسخ بدان سو باز زدند. تنها پس از گذشت چند ساه زیر فشار هواداران خود به جنبش بشارت دادند که خیال پاسخ به نقد ما را دارند و مقدمه مانندی نیز بعنوان پیش - درآ مد بحث در نشریه "پیشرو" - ارکان کومله منتشر کردند و اعلام نمودند که از این پس به صورت یک سلسله مقالات به نقد برنامه پاسخ خواهند داد. اما پاسخ باین نقد کار ساده ای نبود. نزدیک به یکسال گذشت و مقالات دنیا له دار هنوز اولین شماره اش منتشر نشده بود قطع گردید سپس آنها طی نامه هائی به چند سازمان از جمله سازمان جریکهای فدائی خلق ایران - خواستند که نظر خود را پیرامون برنامه کومله و سهند ارائه دهند پاسخ کمیته مرکزی سازمان در نامه ای که در نشریه کار نیز چاپ - رسید بآنها داده شد. همه سازمان ها با اتفاق برنامه را رد کردند. اکنون دیگر کاملا روشن شده بود که برنامه حزب و خود حزب با شکست

تابود باد امپریالیسم جهانی بسرگردگی امپریالیسم آمریکا و پایگاه داخلی

سوسیالیسم دشتانی ... از ...

است که نه تنها به تمامیت ملی
از برنامه حزب کمونیست
(سابقا بخش حداقل آن) بر
سر و معاد وارد بیاضها و مطالب
"برنامه های" سطح و راه کارگر
شده است" نیروهای طرفدار -
رویز یونیسف مدرن برای تشکیل
یک بلوک رویز یونیسف در مقابل
حزب کمونیست به شکار پروا نداشته
استحکام ضد رویز یونیسف حزب ما
ایران را وادار میکند تا همیش
از پیش تماریات واقعی خود را -
آشکار سازند. علنا به دفاع از شوروی
و رویز یونیسف مدرن برخیزند
اسدیوار باشند که جای عالیسی
انقلابیونی را که به این ترتیب
جریان آنها را برای پیوستن به
حزب کمونیست ترک خواهند کرد .
جماعت باقیمانده اکثریتی و خود
ای بر خواهند نمود. در مقابل
اقلیت به یک اکثریت جدید در -
شرایط امروز بهر شکلی نمیتواند در -
تمام وجه با تجربه شکل گیری خود
جریان اکثریت مشابه باشد
"اقلیت امروز در شرایطی بسیار
اکثریت بسطد میسر خواهد بود
سیاست شوروی در ایران بخاطر
تفصیر کرده است. سطح در مقابل
اول در برابر برنامه حزب کمونیست
بمشابه دفاع و توجیهگر شوروی
و خیانت های بی انتهای این اردوگاه
امپریالیستی به طبقه کارگر و
انقلاب ایران ظاهر میشود .
"سجفا اعتقاد به اجتناب از
داری در شوروی را "تجسس فریب"
می خوانند و به این ترحیب می جویند
و مبارزه و دستاوردهای بخشش
عظیمی از کمونیست های جهان را -
منکر میشود. "سجفا میخوانند
... که نظریه جمهوری اسلامی ما
ها را ملی کند تا توده های کارگر
را با توهم به طمع به از بورژوازی
به کار بیشتر و بیشتر و "استقلال
نگردن در تولید فرا بخوانند"
این بود چکیده بیانیه . هر کسی
که با مواضع سازمان ما آشنا
آشنایی داشته باشد از این همه
احکام عجیب و غریبی که کمونیست
و سهد علیه ما صادر کرده اند
تعجب خواهد کرد. اما با توجه به
نیست هنگامیکه یک گروه با یک
سازمان سیاسی توان برخوردار شود

روبرو شده بود. اما کمونیست
که تمام پلهای پخته خود را -
خراب کرده بودند باز هم پشند
نگرفتند ، لهجعت پرزیدند حرف
برد یکی است . حالا که کسی بدون
برنامه جمع نشده است و هیچ
سازمان و گروهی آنها تهدید
است. کومله و سهد می باید حزب
با اصطلاح کمونیست خودشان را تشکیل
دهند. در چنین شرایطی که از همه
مو قطع امید شده بود بیانیه ۱۱
مطعدهای اما نه بیانیه سیاسی
برای که نهنی به کومله و سهد -
در عنوان "مواضع اخیر سجدفنا
و راه کارگر در قبال برنامه حزب
کمونیست کومله و اتحاد مبارزان
در پانزدهم مرداد ماه ۱۳۶۲ منتشر
گردید که یکبار آن چنین است:
"موضع گیریها و اظهارات رسمی
اخیر سازمان جریکهای فدایی خلق
ایران (گروه موسوم به اقلیت) و
سازمان راه کارگر بر علیه برنامه
حزب کمونیست کومله و اتحاد -
مبارزان کمونیست بیانگر بحران
و تشتت درونی روز افزون ایران
و گویای شکل گیری تحولات نگران
کننده و امید باری در درون این
سازمان است" سطح و راه کارگر
در طول یک سال اخیر کام بکام به
تصویر آشکار خوبی با ما در کسب
انقلابی ایران افزوده اند. "بیانیه
ما بر قطعا جانفش بر خورد رسمی
تشکیلاتی ما با سجدفنا در مورد
این مواضع بیانیه و ارتباط سیاسی
نیمت و ضرورت این اقدام بجای
خود سطوط است. اگر این روز افزون
این طبقه به دفاع آشکار و سرافشان
از شوروی و با اردوگاه با اصطلاح
سوسیالیسم و تلاش در جهت تطهیر
این بلوک امپریالیستی و پرده -
پوشی از بحران اقتصادی عمیق
داخلی و سیاست های ضد دموکراتیک
و ضد کارگری آن در صحنه جهانی
است" در کنار این صورت روز -
افزون با مارکسیسم انقلابی و همرا
با دفاع هر چه سرافشان تر این
طبقه از بلوک شوروی ما شاهد لفاظی
ها و عبارات پر زبانی "رادیکال"
این طبقه پرزده در شکل تقلیب
ظاهری و رو نویسی برخی احکام و
شعارهای برنامه ای و سیاسی کومله
و ا. م. گ نیز هستیم. کار ایمن
رادیکالیسم جاریتی بجای رسیده

و سیاسی را به مخالفین خود -
نداشته باشد . بناگزی به سهد و
احکامی می پردازد که هر آدم اندک
آگاهی را به سهد و سهد در
خطوات شوروی و سهد به اعانای
ای طبقه ما باید شناسنامه فقیر
شوریک خود را منتشر کرده اند .
به خوب بود که اینها را قبل از
تمام ادعاهای خود این طبقه را
درک میکردند که دیگر جنبش ما به
آن مرحله از بلوغ خود رسیده
است که نتوان با صدور احکام بی
پایه از پاسخ به مسائل شوریک
سیاسی نظره رفت .
کومله سده است که موضع گیری
ها و اظهارات رسمی اخیر سازمان
علیه برنات با اصطلاح حزب کمونیست
کومله و سهد بیانگر تحولات -
نگران کننده و امید باری در درون
سازمان است و گویا در مواضع
ما نسبت به کومله و سهد
تضمراتی صورت گرفته است . در
اینجا باید دو موضوع را از -
یکدیگر تفکیک نمود. نخست موضع
قطعی ما کناره سازمانی ما در
ارتباط با امثال کومله و سهد
است که در قطعی ما تصریح شده
است بدلیل اعتراف از مارکسیسم
نمی توانند در وحدت حزبی با ما
قرار گیرند. اما در سجدفنا
موجود در صفا انقلاب جای دارند .
از این جهت در موضع گیریهای
رسمی سازمان در نشریه کار ارگان
مواضع سازمان و ریگان گدل -
شویه شاخه کردستان سازمان هیچ
تضمری صورت نگرفته است اگر
نگرانی کومله و سهد به موضع
گیریهای بولتن شماره ۷ باز -
میکرد که از کومله و سهد به
عنوان "عمال خرابکار بورژوازی
نام میبرد ، بصد است که کومله
و سهد با این مسئله آگاهی نداشته
باشند که بولتن مساجات ارگان
مبارزه ایدئولوژیک است که اعضاء
سازمان نظرات شخصی خود را در
باره مسائل جنبش در این بولتن
منتجی میکنند و این نظرات -
مواضع رسمی سازمان محسوب
نمیشود . و اما بعد ، اینکه کومله
و سهد در صفت نیروهای انقلابی قرار
دارند بدین معنایی که ما خط و مرز
میان انقلابیگری پرولتری و خرده -
بورژوازی را مفدوتر کنیم و با از
اعضای سوسیالیسم کاذب آنها در یک
مبارزه ایدئولوژیک دست برداریم
غیر و نظریه ما این است که در هر

پسر روزیاد مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقهای ایران

سوسیالیسم دهقانی ... از صفحه

در میان بود و نه ارائه برنامه .
 برنامه کومله و سهپند در ...
 اردیبهشت ماه سال ۶۱ منتشر شد
 که یک ماه بعد از آن بنا بر سه
 گفته خود سهپند هنگامیکه هنوز
 مرکب آن خشک نشده بود بر مبنای
 برنامه عمل سازمان در جلسه
 کاریکاتوری از برنامه حسیز ب
 کمونیست مورد نقد و بررسی قرار
 گرفت بنا بر این بهتر است کومه
 کومله و سهپند از این شیوه های پر
 خورده دست بردارند و بجای شانه
 خالی کردن از پاسخ به انحرافات
 خود و توسل به شیوه هایی که مدام
 بزبان آنها تمام خواهد شد به
 پاسخ مسائلی بپردازند که به
 اعتقاد ما انحرافات اساسی کومله
 و سهپند را تشکیل میدهند . ما
 اجازه نخواهیم داد که این مسایل
 پوشیده و پنهان بمانند مجبور -
 شان میکنیم نظرات و موافق خود را
 روشن کنند تا بر همان اساس ک
 هواداری که دارند ، ماهیت این
 نظرات روشن گردد . کومله و سهپند
 مدعی اند که در راه سوسیالیسم
 پیگار میکنند و در مرحله کمونیستی
 خواهان یک انقلاب دموکراتیک
 پیروزند و برقراری جمهوری
 دموکراتیک انقلابی هستند . برای
 اینکه نشان دهیم این مدعیان
 "مارکسیسم انقلابی" تا چه حد
 به سوسیالیسم معتقد هستند باید
 مسئله را از همین نکته آغاز کرد
 که "انقلاب دموکراتیک پیروز شده"
 از دیدگاه کومله و سهپند چه
 معنایی دارد و در "جمهوری
 دموکراتیک انقلابی" وعده چگونه
 تحولاتی را میدهند؟
 لنین مکرر تأکید داشت که تنها
 سخن گفتن از انقلاب کافی نیست
 تنها شمار انقلاب کافی نیست .
 برای اینکه وظائف انقلاب کاملاً
 مشخص گردد ، و به انقلاب خیانت
 نشود ، و "شعار انقلاب" مسرود
 سوء استفاده قرار نگیرد "باید
 بر آن شعار مشخص تأکید و
 تصریح شود که مضمون واقعی
 انقلاب و پیروزی قطعی آنرا بطور
 صریح و روشن بیان کند باید
 که "تصریح شود چه طبقات باید
 خصوصی باید روبنای جدید را
 بسازند و همانا چگونه بسازند

فام خط و مرز میان دموکراسیسم و
 انقلابیگری پیگیر پرولتری را نصیب
 به نا پیگیری دموکراسیسم و انقلابی
 گری خرده بورژوازی روشن کنیم و -
 نشان دهیم که سوسیالیسمی که کومله
 و سهپند مدافع آن هستند نه -
 سوسیالیسم علمی بلکه سوسیالیسم
 تخیلی خرده بورژوازی است . از این
 جهت موضعگیریهما و اظهارات اخیر
 سازمان ما که در پاسخ کمیته
 مرکزی سازمان به کومله و سهپند
 در "کاریکاتوری از برنامه حسیز
 کمونیست" و مقالات نشریه "ریگای
 عمل" در باره بوندیست بودن کومله
 و سبک کار کومله برای تشکیل حزب
 منعکس است هم برای این سازمانها
 نگران کننده است و هم آشفته بار .
 چرا که در این مقالات ماهیت
 طبقاتی کومله و سهپند و سوسیالیسم
 آنها بر ملا شده است و جایگاه -
 واقعی آنها در جنبش روشن گشته
 است و ما در همین مقاله نیز یک
 بار دیگر به رثوی کلی مهمترین
 این مسائل اشاره خواهیم کرد .
 بیانیته همچنین مدعی است که گویا
 سازمان برنامه عمل خود را از
 برنامه حداقل کومله و سهپند اقتباس
 کرده است باید از اینکه سطح
 برخورد های کومله این چنین نزول
 کرده است تا سفسخورد ، و این خود
 جنبه دیگری از ناتوانی شوریک
 را در کومله و سهپند نشان میدهد .
 اولاً ، هر انسان اندک تگای که
 برنامه سازمان را خوانده باشد و
 آنرا با برنامه حداقل کومله و
 سهپند مقایسه کرده باشد به آسانی
 می بیند که این دو برنامه کیفیاً
 متفاوتند و اساساً از یکدیگر
 متمایز . برنامه عمل ما برنامه
 پرولتاریای انقلابی برای تحولات -
 انقلابی است . در حالیکه برنامه
 کومله و سهپند برنامه ای خرده -
 بورژوازی با مضمونی بورژوا
 زمریستی . ثانیاً هر چند که سهپند
 این شیوه برخورد اعتقاد نداریم
 اما بنا بر غیر خاطر نشان میسازیم
 که برنامه عمل سازمان دو ماه پس
 از نخستین گنگره در آستانه
 سومین سالگرد قیام بهمین
 ماه در بهمین ماه سال
 ۶۰ در شماره ۱۵۰ نشریه "کار" -
 منتشر گردید یعنی هنگامیکه هنوز
 نه بحثی از برنامه کومله و سهپند

بدون چنین تصریحی شعار انقلاب
 در لحظه فعلی شعاری پوچ و بی-
 مضمون خواهد بود... اما این
 تصریح عبارت است از شعار -
 دیکتاتوری دموکراتیک پرولتاریا
 و دهقانان . این شعار هم طبقاتی
 را معین میکند که "سازندگان
 جدید روبنای جدید می توانند و باید
 به آنها اتکاء نمایند و هم طبقات
 این رو بنا را ، (دیکتاتوری
 دموکراتیک که از دیکتاتوری -
 سوسیالیستی متمایز است) و هم
 شیوه ساختمان آنرا (به شیوه
 دیکتاتوری) یعنی سرکوب قهری
 و نیز مسلح ساختن طبقات انقلابی
 مردم" (دو تاکتیک سوسیالیستی -
 دموکراسی در انقلاب دموکراتیک)
 درست همین اساسی ترین مسئله
 نخستین حلقه مفقوده در نظرات
 کومله و سهپند است . آنها از روشن
 کردن صف بندی نیروهای طبقاتی
 در انقلاب دموکراتیک از فرمول
 بندی تناسب طبقاتی قوا که تجسم
 عینی و مادی خود را در دیکتاتوری
 انقلابی ک رگوان و خرده بورژوازی
 شهر و روستا می باید ، سر باز
 میزنند ، هر گاه کومله و سهپند
 میخواستند هرگونه ابهام را در -
 این زمینه از میان بردارند و ما
 را متهم به تخطئه و تحریف نکنند
 میبایستی تصریح میکردند که در
 جمهوری دموکراتیک انقلابی -
 دیکتاتوری
 طبقاتی اعمال خواهد شد ؟ چه
 طبقات خصوصی باید روبنای جدید
 را بسازند و همانا چگونه بسازند
 تا اولاً نشان دهند که شعار آنرا
 را مورد سوء استفاده قرار نمیدهند
 در پی در هم ریختن خط و مرز دو
 مرحله انقلاب نیستند و در گذران
 از انقلاب دموکراتیک چیست؟ ثانیاً
 بصراحت نشان میدادند که آیا به
 لنینسیم وفادارند یا نه -
 تروتسکیسم ؟ و ما نیز مطمئن
 میشدیم که لنین نیز به علت
 دفاع از دیکتاتوری کار رگوان
 و خرده بورژوازی در مرحله انقلاب
 دموکراتیک و تصریح بر این -
 دیکتاتوری "پوپولیست" از کار برد
 نیامده است . اگر کومله و سهپند
 تصریح میکردند که در جمهوری
 دموکراتیک انقلابی آنها دیکتاتوری
 دموکراتیک انقلابی کار رگوان و خرده
 بورژوازی شهر و روستا اعمال
 خواهد شد ، باین ابهام پایان
 داده میشد ، اما از آنجا که در

کمیته های مخفی مقاومت را باید در هر شهر و روستا ایجاد کنیم

سوسیالیسم دهقانی ... از منظر

جمهوری دموکراتیک انقلابی کومله و سهند ترکیب طبقاتی حکومت پوشیده مانده است، خطتبیاسی آن که همانا دیکتاتوری دموکراتیک انقلابی کارگران و خرد بورژوازی شهر و روستاست نامشخص مانده است. در نتیجه چنین بنظر میرسد که در جمهوری دموکراتیک انقلابی دیکتاتوری کسی بر کسی اعمال نگردد با دولتی نیست و اگر هم باشد در ماوراء طبقات استاده است. اینجا سکه بوضوح میبینیم علامت اینکه کومله و سهند مدام به جنبش بشارت میدهند که -

پوپولیسیم را رد کرده اند. هنوز دیدگاهی غمناک عموم خلقی اراده میدهند. بر همین مبنا از آنجا که مسئله قدرت دولتی در جمهوری دموکراتیک انقلابی لاینحل مانده است کومله و سهند خواستار اعمال "حق حاکمیت مردم" توسط شوراها میباشند. در اینجا باز دیدگاه عموم خلقی به عیان ترین وجه خود را نشان میدهند مردمی چه؟ کومله و سهند میکوشند که از برخورد شخص با این مسئله ظفره روند. آیا مردم شامل کارگران و زحمتکشان (زحمتکشان به معنی دقیق کلمه یعنی نیمه پرولترها) است؟ آیا مراد از مردم کارگران و زحمتکشان بمعنای وسیع کلمه یعنی کارگران و خرد بورژوازی و روستاست؟ آیا مراد از مردم کارگران و خرد بورژوازی و بورژوازیست؟ کومله و سهند تمام این مسائل را به حالت ابهام میگذارند. بنا بر این میبینیم در اینجا نیز تفاوت میان دموکراسی پیگیر پرولتری و ناسوسی پیگیری دموکراسی خرد بورژوازی خود را نشان میدهد. در حالیکه دموکراسی پیگیر پرولتری بصراحت از ضرورت استقرار دیکتاتوری دموکراتیک انقلابی کارگران و خرد بورژوازی شهر و روستا در مرحله انقلاب دموکراتیک سخن میگوید و از دموکراسی برای کارگران و خرد بورژوازی و دیکتاتوری و سرکوب بورژوازی و کلیه نیروهای ارتجاعی دفاع میکند. دموکراسی ناپیگیر خرد بورژوازی از این تصریح سر باز میزند و شمارا نقلاً برامری بوج بدل میکنند. در حالیکه دموکراسی پیگیر پرولتری از اعمال حاکمیت توده های توسط شوراها کارگران، دهقانان و کلیه

زحمتکشان شهر و روستا دفاع میکنند، دموکراسی ناپیگیر خرد بورژوازی مدافع اعمال حاکمیت مردم توسط ارگانهای ماوراء طبقاتی است. پس ما چرا داریم که بگوئیم سوسیالیسم کومله و سهند سوسیالیسم خلقی دهقانی است. این از دموکراسی سیاسی کومله و سهند. در زمینه دموکراسی اقتصادی نیز آنها به همان اندازه دموکراسی سیاسی ناپیگیر هستند. آنها از معادله و ملی کردن سرمایه های بزرگ، سرمایه های متعلق به بورژوازی وابسته و انحصارات امپریالیستی در ایران سر باز میزنند. کومله و سهند که در برنامه خود مواد متعددی را از برنامه حزب کارگر سوسیال دموکرات روسیه اقتباس کرده اند (و تا آنجا که این مواد برنامه های با شرایط ایران تطبیق میکند، هیچگونه انتقاد و ایراد هم آن وارد نیست) خوب میدانند که در بخش حداقل برنامه از سوسیالیسم کردن بانکها و بندها سخن به میان آمده است. آنها خوب میدانند که چنین مکرر تاگردد داشته در مورد اقداماتی نظیر ملی کردن زمین و تمام بانکها و سندها های سرمایه داران که به هیچ وجه به معنای معمول داشتن سوسیالیسم نیست باید با فشاری نمود. چرا کومله و سهند از شمار ملی کردن سرمایه های بزرگ، سرمایه های متعلق به بورژوازی وابسته و انحصارات امپریالیستی سر باز میزنند؟ مگر این امور در جهت دموکراتیزه کردن اقتصاد کشور و نفع کارگران و زحمتکشان نیست؟ برای اینکه کومله و سهند ما را متهم به تخطئه و تحریف نکنند خاطر نشان میسازیم که آنها تنها خواهان "در اختیار گرفتن صنایع و موسساتی که هم اکنون در دست دولت است" میباشدند. (نقل از برنامه کومله و سهند) اما ممکن است کسی بگوید که از این امر که بگذریم آنها خواستار برقرار کردن کنترل شوراها های کارگری بر تولید هستند و این نشان دهنده دموکراسی آنها در زمینه اقتصادی است. البته که شعار کنش شوراها های کارگری بر تولید و توزیع خود نشان دهنده این است که تا چه حد کسی به دموکراتیزه

کردن اقتصاد کشور و هموار کردن راه از کنترل اقتصادی به تنظیم اقتصادی علاقمند است اما فقط به یک شرط. شرط آن این است که اولاً کنترل سازی اجباری بشماره "شرط لازم و مقدماتی هر کنترل است" اندازه ای جدی پذیرفته شده باشد تا بتوان کاملاً ترین و دقیق ترین محاسبات را برقرار کرد و ثانیاً شرطی که مهم تر از شرط نخستین است این است که الفاها اسرار و بازرگانی پذیرفته شده باشد. هر یک کلام میتوان گفت که هزار بار صحبت از کنترل شوراها های کارگری تولید یا بر تولید توزیع میکنند اما به الفاها اسرار بازرگانی اعتقاد نداشته باشد، یک ذره به امر کنترل واقعی اعتقادی ندارد. به همین دلیل است که چنین در پاسخ به منشویکها و اسارها، که تمام از کنترل صحبت میکردند اما از الفاها اسرار بازرگانی هراس داشتند می گفت: "بدون الفاها اسرار بازرگانی کنترل تولید و توزیع با بصورت یک وعده کاملاً بوج باقی میماند که فقط بدرد این میخورد که کادتها، اسارها و منشویکها هم طبقات زحمتکش را اغفال نمایند و با اینکه این کنترل فقط بسا مسائل و شیوه های ارتجاعی و بوروکراتیک عملی خواهد گردید. مهمان نه دولت جمهوری ما و نه ارگانهای تام الاختیار دموکراسی انقلابی هیچک در باره این نخستین کلام کنترل واقعی فکری هم نگرداند. اینجا است کلیه هرگونه کنترل. اینجا است حساسترین نقطه سرمایه. سرمایه ای که تاراجگر مردم است و در امر تولید کارهای شکنجی میکند، به همین دلیل است که اسارها و منشویکها از تمام با این نقطه بیسازگاری خطر فلاکت و راه مبارزه با آن چنین بنظر نمیبرد که مدعیان مارکسیسم انقلابی این نوشته چنین را -

نخوانده باشند و بحدی است که بی نبرده باشند بدون الفاها اسرار بازرگانی یعنی این نخستین کلام کنترل، صحبت از کنترل حرف بوج است. این مسئله در نوشته "کاریکاتوری از برنامه حزب کمونیست" نیز مورد بحث قرار گرفته است. پس چرا کومله و سهند در این مورد سکوت اختیار کرده اند؟ چرا پاسخ نمیدهند؟ آیا حقیقتاً ما دست به تحریف زده ایم یا کومله و سهند از تملین با "حساسترین نقطه سرمایه" بیم دارند؟ این هم از دموکراسی اقتصادی کومله و سهند

سوسیالیسم دهقانی ... از مفتح

سهند ، با چنین برنامه های روشن است که نطفی عملی سلطه امپریالیسم که در برنامه آنها وعده آن داده شده است چه از کار در می آید . این مسئله در مقاله "کارگارتوری" از برنامه حزب کمونیست بتفصیل مورد بحث قرار گرفته است . تنها در اینجا خاطر نشان میسازیم که چون کومسله سهند با اقتصاد سیاسی علمی بیگانه اند و نمیتوانند درک درستی از سرمایه داری ایران ، سلطه امپریالیسم و وابستگی اقتصادی داشته باشند لاجرم تصور میکنند که این سلطه محدود به روینای سیاسی میگردد و میتوان بدون مصادره و ملی کردن سرمایه های متعلق به بورژوازی وابسته و انحصارات امپریالیستی بدون مبارزه جدی علیه سرمایه مالی امپریالیستی که در تار و پود اقتصاد رسوخ کرده است ، بدون قطع وابستگی های اقتصادی ، این سلطه را بر انداخت . از اینسرو درک آنها در زمینه مبارزه علیه امپریالیسم و برانداختن سلطه آن درکی عامیانه و سطحی است و در زمینه مبارزه علیه امپریالیسم نیز ناپه گیری خود را بوضوح نشان میدهند ، هنگامیکه ما هم در جهت برانداختن سلطه امپریالیسم و وابستگی اقتصادی و هم در جهت دمکراتیزه کردن اقتصاد کشور بر مصادره و ملی کردن کلیه سرمایه های بزرگ در مرحله انقلاب - دمکراتیک آسرا میوزیم کومله و سهند فریاد بر می آورند : سازمان جریکهای فدائی خلق ایران میخواهد که نظیر جمهوری اسلامی سرمایه ها را ملی کند تا توده های کارگر را با توجه به خلق یه از بورژوازی به کار بیشتر و بیشتر و اخلال نکردن " در تولید فرا بخواند " (بیانیه)

باید به کومله و سهند متذکر شد که در جمهوری دمکراتیک خلقی که در آن حاکمیت کارگران و زحمتکشان اعمال خواهد شد کارگران علیه منافع خودشان اقدام نخواهند کرد بلکه بالعکس مخالف حاکمیت کارگران و زحمتکشان هستند که در تولید اخلال میکنند و دقیقاً اعمال کنترل کارگری که در برنامه عمل سازمان آمده است یکی از وظایفش مقابلیه با اخلالگرانی است که میخواهند از طریق اخلال در تولید و در موسساتی که دیگر متعلق به

داری دولتی و تولید خردکدامیک برای سوسیالیسم مساعدترند ؟ و پاسخ میداد سرمایه داری دولتی ، من در نزد خود محسم میکنم که برخی ها از این سخنان با چسبه خشم عالیشانانه ای رم خواهند کرد . چه میگویند ؟ در جمهوری شوروی سوسیالیستی انتقال به سرمایه داری دولتی گامی به پیش خواهد بود ؟ ... آیا این خیانت به سوسیالیسم نیست ؟ چنین گه بدرستی ما هیت اعتماد خرد و دشمنی آنرا با سوسیالیسم میدانستیم این اعتقاد بود که این خرده بورژوازی با هرگونه مداخله دولتی مخالف است و علیه سوسیالیسم پیگار میکنند ، او می گفتند این سرمایه داری دولتی نیست که در اینجا با سوسیالیسم مبارزه میکند بلکه خرده بورژوازی است علاوه سرمایه داری خصوصی است که بالاتفاق و در آن واحد هم علیه سرمایه داری دولتی و هم علیه سوسیالیسم مبارزه میکند ، خرده بورژوازی در مقابل هرگونه مداخله دولتی و حساب و کنترل خواه دولتی سرمایه داری و خواه دولتی سوسیالیستی مقاومست بورژوازی این یک واقعیت کاملاً بیچون و چرا است که ریشه یک سلطه از اشتباهات اقتصادی از عدم درک آن آب میخورد ... خرده بورژوازی که چند هزاری ذخیره کرده است دشمن سرمایه داری دولتی است و میخواهد این چند هزار را حتماً برای خود و علیه تهدیدات هر گونه کنترل دولتی بجریان نندازد طبقه کارگریکه آموخته باشد که چگونه باید تولید بزرگ را در سراسر کشور بر مبنای سرمایه داری دولتی متشکل ساخت تمام آتوها را - از استعمال این اصطلاح معذرت میخواهم - در دست خواهد داشت و آنوقت دیگر تحکیم سوسیالیسم تامین خواهد شد سرمایه داری دولتی از لحاظ اقتصادی بر مراتب عالی تر از اقتصادیات کنونی ماست . " (به نقل از در - باره مالیات جنسی - لنین) -

حاکمیت کومسله و سهند نیز در برابر سرمایه داری دولتی از این سرمنشاه طبقاتی آب میخورد . کومله و سهند خوب میدانند که سازمان جریکهای فدائی خلق ایران بمثابة نماینده آگاه پرولتاریای ایران در جهت برقراری حاکمیت کارگران و زحمتکشان و استقرار سوسیالیسم و کمونیسم مبارزه میکند ، آنها خوب میدانند که ما نه در پی استقرار سرمایه داری دولتی بلکه در پی استقرار

توده های زحمتکشان را سرنگون کنند اما کویا کومسله سهند این وظیفه را برای طبقه کارگر قرار میدهند که در جمهوری دمکراتیک خلق در تولید اخلال کنند ؟ اینکجه کومسله و سهند معتقدند که ما میخواهیم نظیر جمهوری اسلامی سرمایه ها را ملی کنیم ؟ البته توضیح آنرا به بعد موکول کرده اند و تنها یک حکم ناقابل عذر کرده اند . اما با اعتقاد ما اس و اساس قضیه در این است که غریزه طبقاتی کومله و سهند آنها را وامیدارد که با هرگونه ملی کردن سرمایه ها مخالفت کنند ، البته آنها در نوشته های دیگرشان جسته و گریخته اشاره میکنند که آنها میخواهند سرمایه داری دولتی را مستقر کنند ، ما فعلاً از این مسئله میگردیم که کویا ما و آنها به دو زبان مختلف صحبت میکنیم و آنها درک نمیکنند که مصادره و ملی کردن سرمایه های بزرگ به اضافه کنترل کارگری بر تولید و توزیع در جمهوری دمکراتیک خلقی که در برنامه عمل سازمان آمده است یعنی چه ؟ بلکه درست به مسئله ای میپردازیم که تصور میکنند نقطه قوت آنهاست یعنی مخالفت با هرگونه مداخله دولتی در اقتصاد ، با اکنون نشان خواهیم داد که اتفاقاً همین مسئله به نحوی بسیار آشکار ما هیت طبقاتی کومسله سهند و نیز سوسیالیسم خرده بورژوازی آنها را نشان میدهد ، میدانیم که کومله و سهند بلنویکتر از لنینیست و نه ایران از نظیر اقتصادی پیشرفت تر از روسیه در آستانه انقلاب کبیر سوسیالیستی اکثر . هر کس که اندکی معلومات تاریخی داشته باشد میدانند که پس از انقلاب سوسیالیستی اکثر تا مدتی چند شکل مالکیت از جمله سرمایه داری دولتی در اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی وجود داشت . گروه ایوزیون چپ شوروی - یوگاریین که اتفاقاً نقوش در این مورد خیلی به کومله و سهند نزدیک بود ، با ظاهری جیاما در حقیقت بمثابة مدافع دهقانان خرد به سرمایه داری دولتی حمله میکرد لنین میگفت در کشوری که میلیون ها تولید کننده خرد وجود دارد ، در مقام مقایسه میان سرمایه

سوسیالیسم دهقانی...

از صفحه ۸

اشکال مالکیت سوسیالیستی و -
 مناصبات تولیدی سوسیالیستی
 هستیم. آنچه که آنها را وا -
 میدارد بمشایبه خرده بورژواهای -
 کوتاه بین، بمشایبه نمایندگان
 سوسیالیسم دهقانی با ما بس -
 مخالفت برخیزند، دشمنی آنها با
 " هرگونه مداخله دولتی و حساب
 و کنترل خواه دولتی سرمایه داری
 و خواه دولتی سوسیالیستی" است و
 از آنها بیگانه خجالت میکشند
 بگویند با تئوری سوسیالیسم علمی
 و استقرار سوسیالیسم و کمونیسم
 منافات، بناچار میگویند چون
 سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
 میخواهد سرمایه داری دولتی را
 منتقر سازد ما با آنها به -
 مخالفت بر میخیزیم. پس در اینجا
 نیز سوسیالیسم بی جهت نیست که در
 برنامه آنها از "کارتلسازی" که
 " شرط لازم و مقدماتی هر کنترل
 با اندازه ای جدی است" خبری
 نیست. بی جهت نیست که در برنامه
 آنها نخستین کلام کنترل یعنی
 الفاظ اسرار بازرگانی بفراموشی
 سپرده شده است کومهلهو سهند با
 هر چیزی که بوی مداخله دولتی و
 حساب و کنترل از آن به مشام برسد
 مخالفت و مخالفت آنها با سازمان
 چریکهای فدائی خلق ایران و دست
 آویز قرار دادن سرمایه داری دولتی
 نیز از همین دیدگاه منشاء میگردد.
 تمام دشمنی کومهلهو سهند با هر
 گونه مداخله دولتی و حساب و
 کنترل چینی تنها یک چیز را نشان
 میدهد که آنها نمایندگان خرده -
 تولیدکننده اند و سوسیالیسم آنها
 سوسیالیسم خرده بورژواشی دهقانی
 است، اگر مثله را از همین
 نقطه نیز به دشمنی آنها با -
 کشورهای سوسیالیستی بسط دهیم
 اشتباه نکرده ایم. دشمنی کومهلهو
 و سهند با کشورهای در حال سلفیتان
 سوسیالیسم از این دیدگاه نیست.
 که فلان حزب و سازمان سیاسی طبقه
 کارگر از مارکسیسم عدول کرده و یا
 دچار انحراف شده است. بلکه از -
 این دیدگاه است که آنها بمشایبه
 نمایندگان تولیدکننده خرد اسرار
 با سوسیالیسم علمی و استقرار -
 سوسیالیسم و کمونیسم مخالفتانند.
 منتهی از آنجا که این نمایندگان
 تولید خرد آدمهای تحصیل کرده و
 تا حدی زیرک هستند سعی میکنند
 توجیه تئوریک نیز برای تبلیات
 طبقاتی خود بتراشند از همین

روست که بر سازمان چریکهای فدائی
 خلق مبتنازند که چرا " بلوک
 امپریالیستی شوروی" را -
 سوسیالیستی معرفی میکنند؟ چرا -
 "دولت ارتجاعی ویتنام" را دولت
 سوسیالیستی انقلابی معرفی میکنند.
 " سچفا در برابر برنامه حزب
 کمونیست بمشایبه مدافع و توجیه گر
 شوروی و خیانتهای بی انتهای این
 اردوگاه امپریالیستی به طبقه
 کارگر ایران و انقلاب ایران ظاهر
 میشود. و با ختم عالیجنابانه
 فریاد میزنند که اینها هم توده -
 ای اند، اقلیت در آغاز راهی که
 حزب توده بپایان رساند" قرار
 گرفته است. بسیار خوب! اما چه
 میشود کرد. دیگر چینی ما از -
 این مراحل گذشته است که با هو
 و جنجال بتوان کسی را توده ای -
 معرفی کرد. اکنون بر هر کودک
 دبستانی اندک آگاهی هم روشن
 است که سازمان چریکهای فدائی
 خلق ایران، استحکام ایدئولوژیک
 سیاسی خود را در مبارزه علیه
 رویژونیسم، در مبارزه علیه
 اپورتونیسم راست به سرگردگسی
 حزب توده، در مبارزه علیه عبارات
 پردازیهای شبه انقلابی ترکیستی
 کسب کرده است سازمان چریکهای
 فدائی خلق ایران امروز از -
 منجم ترین تئوری و برنامه
 انقلابی در درون جنبش کمونیستی
 ایران برخوردار است. مرزبندی
 ما در حوزه اختلافات ایدئولوژیک
 سیاسی در عرصه جنبش جهانی
 کمونیستی قاطع و روشن است. ما
 روشن ترین مرزبندی را با رویژونیسم
 خروشچی و انحرافات اردوگساره
 سوسیالیستی ارائه داده ایم. ما
 که استدالات خود را بشکل مدون
 شده و تئوریک در برابر شما قرار
 داده ایم. ممکن است تئوریستین
 های سهندی بفرمایند کدام نقصد
 تئوریک را در برابر آن ارائه
 داده اید؟ شما که یک شب خوابیدید
 و فردا که بیدار شدید به -
 امپریالیست بودن دولت شوروی و
 ارتجاعی بودن دولت سوسیالیستی
 ویتنام رسیدید، ممکن است
 بفرمایید چند صفحه در باره این
 کشف بدیع خود ارائه دادید که
 پرولتاریای جهان از آن مستفیض
 شود؟! اگر خودتان هم توان آنسرا
 ندارید لااقل به جنبش بگویید که
 کدامیک از پیشگامان نظریه
 حاکمیت سرمایه داری دولتی در
 شوروی کائوتسکی، اتو بائستر
 جناحی از تروتکیستها، مارتین
 نیکولائوس، شارل بتلهایم و...

را با ستاد فنی قبول دارید؟ سندی
 ها حرفی برای گفتن در این زمینه
 ندارند. حرفهای آنها را تاکنون
 این پیشگامان نظریه حاکمیت
 سرمایه داری دولتی در شوروی -
 زده اند و بقدر کافی زمانی توسط
 پیکار و رزمندگان و دیگر گروه
 های خرده ریز خط ۲ قرار شده
 کومهلهو سهند خوب میدانند که
 اگر در کوردستان بسبب عدم پیوستن
 اقتصادی، فقدان یک پرولتاریای
 نیرومند صنعتی و فرهنگ
 پرولتاریایی در محیط عمیقاً خرده
 بورژواشی دهقانی این نظرات
 محدودده مدعیان خرد سلفیتان
 طرفدارانی داشته باشد. امروز
 پس از ورشکستگی رقت بار خط ۳ -
 گفتن " بلوک امپریالیستی
 شوروی" و " دولت ارتجاعی ویتنام"
 تنها میتواند با نیشخند تئوریک
 کارگران و روشنفکران انقلابی
 ایران روبرو گردد. انحرافات
 رویژونیستی اتحاد جماهیر شوروی
 که ما قاطع ترین مرزبندی را با
 آن داریم، نمیتواند مستمسکی
 برای تحقیر سوسیالیسم و کمونیسم
 و نفی تمامی دستاوردهای
 پرولتاریای مرامر جهان گردد.
 کومهلهو سهند بمشایبه مدافعین
 تولید خرد با کشورهای سوسیالیستی
 و شیوه تولید سوسیالیستی
 دشمنی دارند، آنها بمشایبه
 پرچمدار ناسیونالیسم تنگ نظرانه
 دهقانی به ستیز با آنترناسیونالیسم
 نالیسم بر میخیزند. کومهلهو سهند
 تخم بی اعتمادی و بی اعتمادی به
 سوسیالیسم علمی و کمونیسم را
 میپاشند، اگر بر طبق نظرات
 آنها پس از نزدیک به ۱۵۰ سال
 هنوز نظرات مارکس و انگلس بر
 روی کاغذ و در لایبلی کتابها
 باقی مانده است بلافاصله ایمن
 شوال برای بسیاری مطرح خواهد
 شد چه تضمینی است که برای ابد
 چنین نباشد؟ کومهلهو سهند
 سوسیالیسم علمی مارکس و انگلس را
 تا حد سوسیالیسم تخیلی که طرح
 خیالی آنها مارکس و انگلس ارائه
 داده اند تنزل میدهند. چرا که -
 این سوسیالیسم بقول کومهلهو سهند
 علیرغم شرایط مساعد عینی که
 وجود داشته است هیچگاه امکان
 واقعی پیاده شدن را نداشته اند.
 تئوریستینهای رک گوی بورژوازیها
 دوران مارکس تا امروز همیشه
 کوشیده اند تبلیغ کنند که تئوری
 های مارکس تخیلی است و در نهایت
 او را در حد یک اومانیت تنزل
 دهند. ادعاهای کومهلهو سهند

سوسیالیسم دهقانی

چند دلشان بخواهد یا نخواهد در خدمت چنین بشوریهای غیر علمی قرار میگیرد. آری مسئله از این قرار است، مارکس و انگلس مردان شریفی بودند اما افسوس که بشوریهای آنها تا کنون مکان پیاده شدن پیدا نکرده است. لنین و بلشویکها نیز تلاش بزرگی را در تاریخ آغاز کردند و مسائل نوینی را مطرح کردند. اما افسوس که انقلاب اکبر بسا شکست روبرو شد. هوشی مینه مرد بزرگی بود ولی جای تاسف است که ویتنام ارتجایی از کار در آمدن این است که نظرات کومله و سهند کومله و سهند تخم بی اعتمادی بی اعتقادی به طبقه کارگر و رسالت دوران ساز آنها میباشند. اگر تا کنون بطبق ادعای آنها تمام انقلابی پرولتری به شکست انجامیده است و بورژوازی در همه جا و در همه موارد قدرت را مجدداً بدست گرفته است. اساساً چه تضمینی وجود دارد که در آینده چنین نشود؟ آیا تجربه یک قرن کافی نیست؟ اگر لنین نزدیک به یک قرن پیش دلیل عدم موفقیت پرولتاریا را تا آن زمان فقدان شرایط عینی میدانست و با فرا رسیدن عصر انقلابات پرولتری بشارت پیروزیهای طبقه کارگر را داد و در عمل نیز - انقلاب اکبر و انقلابات - بعدی صحت نظرات او را با ثبات رساند. کومله و سهند نزدیک به یک قرن پس از او چه دلیلی برای شکستهای پرولتاریا ارائه میدهند؟ اگر انقلاباتی که در رأس آنها امثال بلشویکها و لنین قرار داشتند با شکست روبرو شده است دیگر تکلیف انقلابی که کومله و سهند مدعی آن هستند از هم اکنون روشن است اگر انقلاب ویتنام یا تمام عظمتش امروز بدست یک دولت ارتجایی خفه شده باشد پس تکلیف انقلاب ایران از هم اکنون روشن است. بشوریهای ریگ گوی بورژوازی همیشه تلاش میکنند تا اثبات کنند که طبقه کارگر - نه رسالتی دارد و نه ولایت و لیاقت اداره امور کشور و دست داشتن قدرت سیاسی و کومله و سهند عملاً بر این ادعاهای

بشوریهای ریگ گوی بورژوازی مهر تایید میزنند. تصور میشود که کومله و سهند پاسخ خود را گرفته باشند برآستی در یکی دو مسورد نیست که کومله و سهند بمثابه نمایندگان خرده بورژوازی دهقانی مدافع سوسیالیسم تخیلی و مبلغ ناسیونالیسم تکنظرانه از کار در میآیند، ادعای کومله مبنی بر نمایندگی پرولتاریای کردستان و معرفی خود بمثابه "مظهر آگاه و متشکل پرولتاریای کردستان" در عین ادعای نمایندگی پرولتاریای سراسر ایران که گویا پرولتاریا در عین نیاز به یک نمایندگی سراسری در هر گوشه ای به یک نماینده خاص نیز نیاز دارد. ادعای کومله مبنی بر نیاز به یک حزب سراسری و در عین حال دفاع از یک سازمان ملی به نام کومله بسا نوع ویژه حقوق سیاسی و تشکیلاتی با درجه خاصی از استقلال یعنی دفاع از سیستم فدراتیوی تشکیلاتی، گویا پرولتاریا علاوه بر یک سازمان سراسری به سازمان های ملی خاص پرولتاریای ملتها تحت ستم نیز نیاز دارد. ادعای کومله مبنی بر تشکیل حزب کمونیست بدون هرگونه پیوند و ارتباط بسا طبقه کارگر ایران که "تمامی این مباحث در ریگای گمل" و در مقالات "سنگ کار کومله برای تشکیل حزب کمونیست" کومله یونددست دفاع از خود بر خاسته است و غیره مورد بحث قرار گرفته و مسا در اینجا از تکرار مطالب خودداری میکنیم، همگی بیانگر ماهیت طبقاتی خرده بورژوازی کومله و سهند و سوسیالیسم خاص آنهاست. اما کومله و سهند بنحو بسیار زیرکانه ای عمل میکنند، آنها خود را نماینده پرولتاریا معرفی میکنند، تا حقیقت نمایندگی دهقانان را کتمان کنند. آنها از "مارکسیسم انقلابی" سخن میگویند تا سوسیالیسم خرده بورژوازی خود را پنهان کنند. آنها از کنترل سخن بمیان میآورند تا کنترل واقعی را انکار کنند. از اشتراکات سوسیالیسم سخن میگویند تا ناسیونالیسم خود را پوشیده دارند آنها تحت پوشش حمله به سرمایه داری دولتی به سوسیالیسم حمله میکنند تا دفاعشان را از تولید خرد و مالکیت خصوصی مقدس در

برده ابهام نگاه دارند. از حزب کمونیست سخن میگویند تا سازمان دهقانان را به جای سازمان انقلابی کارگران نشانند. اکنون روشن است که رادیکالیسم چه کسانی عاری است و افشای این سوسیالیسم کذب، این انقلابیگری عاریست. خرده بورژوازی نمیتواند خشم و غضب خرده بورژوازی کومله و سهند را که در بیانیه منعکس است برنیا نگیزد، اما میشود کرد؟ پرولتاریا برای حفظ استقلال طبقاتی و دستیابی به اهداف تاریخی خود ناگزیر است با تمام ایدئولوژیهای غیر پرولتری نبرد کند. خرده بورژوازی سوسیالیسم کاذب خرده بورژوازی بردارد و راه خود را پنهان بگشاید. امروز تفکیک آشکار میان سوسیالیسم علمی و سوسیالیسم خرده بورژوازی، تفکیک آشکار میان رادیکالیسم خرده بورژوازی و رادیکالیسم پرولتاریا شسمی تفکیک آشکار میان دمکراتیسم و انقلابیگری پیگیر پرولتاریا و ناپیگیری دمکراتیسم و انقلابیگری خرده بورژوازی به یکوظیفه مبرم جنبش ما تبدیل شده است. وما که پرچمدار استقلال طبقاتی کارگران هستیم، در نخستین صف برای این تفکیک بپیکار میکنیم.

یادفدائی شهید، سعیده کریمانه در راه سرخ این گلگون کفنان خلق را ادامه خواهیم داد. شرح زندگی مبارزاتی رفیق شهید سعیده کریمانه در شماره های آینده ریگای گمل ب اطلاع خوانندگان گرامی خواهد رسید.

یورش وحشیانه رژیم به منطقه هور و با وارد آوردن ضربهای مهلک و بدست آوردن غنائم فراوان از جمله ۱۶۱ قبضه آرپی جی، ۹۰ قبضه کلاشینکف ۵ تیربار ۳، ۲۰ قبضه خمپاره ۶۰ میلیمتری، ۵ گلوله آرپی جی، پنج دستگاه بیسم و مقدار زیادی وسایل نظامی تلاشهای رژیم را برای اشغال مناطق آزاد شده خنثی ساختند. تعداد ۲۶ تن از خود فروختگان به اسارت در آمده اند. این عملیات که در تاریخ ۱۳ شهریور شروع گردیده بود، تن از پیشمرگان کومله به شهادت رسیدند ما شهادت این فرزندان خلق را به رفقای همسنگر و خانواده هایشان تسلیت میکنیم.

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر

پیام شاخه کردستان - سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به حزب دمکرات کردستان ایران به مناسبت شهادت شانزده بهمنگره شهروان حزب دمکرات.

عبر شهادت شانزده بهمنگره شهروان حزب دمکرات کردستان ایران که طی یک نبرد حماسی با نیروهای سرکوبگر رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی قهرمانانه شهادت رسیدند موجب تأثر هر نیروی انقلابی است که علیه رژیم ددمنش جمهوری اسلامی پیکار میکند. شهادت حماسه آفرین این بهمنگران قهرمان که تا آخرین گلوله در برابر مزدوران رژیم جمهوری اسلامی ایستادگی کردند و جان باختند بیانگر عزم جزم خلقی است که قاطعانه برای رهایی از قیدستم بیباخته است و مرگ در راه رهایی را بر اسارت و ستم ترجیح داده است.

تو دیدی نیست که وحشیگریهای رژیم جمهوری اسلامی و توسط اشکبار به کثیفترین و سنگین ترین شیوه های سرکوب علیه کارگران و زحمتکشان سراسر ایران ولایت های تحت ستم قلدر نیست در مبارزه ترده های مردم علیه بین رژیم خلقی ایجاد کند. کنش مستلزم واکنشی است. قهر و سرکوب ارتجاعی ایستادگی، قهرمانی و مقاومت - انقلابی را در میان مردم سرنگون میکند. هیچ قدرتی قادر نیست در برابر خلقی که برای رهایی بیباخته است ایستادگی کند. شکست مرتجعین حسی است. و خلق که قطعا در مبارزه بر حقیق و عادلانه پیروز خواهد شد. ما شهادت این بهمنگران قهرمان را به حزب دمکرات کردستان ایران و خانواده های محترم آنها تسلیت میگوییم.

پیروز باد مبارزه قهرمانانه خلق کردستان
سختکم باد اتحاد کارگران و زحمتکشان سراسر ایران و ولایت های تحت ستم ایران
سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی
برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
شاخه کردستان ۶۲ / ۶ / ۸

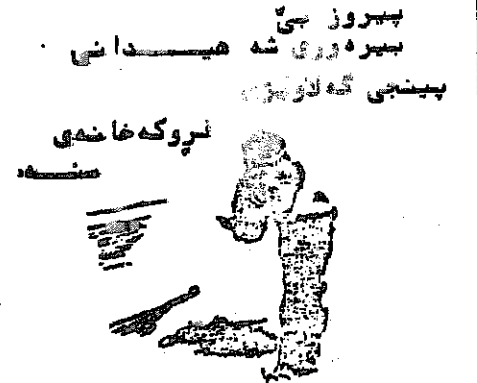
گرای باد خاطره فدائیان شهید رفقا: بیژن جنتی و مرتضی خداهرازی

سال گذشته در سرگاه خونین ۲۳ شهریورماه ۱۳۶۱ دو تن از رهروان راه آزادی - دمکراسی و سوسیالیسم رفقا: بیژن جنتی - مرتضی خدا - مرادی بدست جلادان جمهوری اسلامی پس از تحمل شکنجه های فراوان به شهادت رسیدند. خاطره جاننازیهای این رفقا که خونشان را وشیفه راه رهایی کارگران و زحمتکشان نمودند گرامی بداریم و تا سرنگونی جمهوری اسلامی و برقراری جمهوری دمکراتیک خلق یکدم از پستی ننشینیم.



۱۷ شهریور روز وحشت شاه از قیام توده ها

از صفحه ۱
قد فرو نشاندن آتش انقلاب برداشت اما در ۲۲ بهمن پاسخ آنرا از توده ها گرفت. جمهوری اسلامی نیز با کشتار کارگران دانشجویان، خلقهای کرد، ترکمن عرب و... در رؤیای تسلط امپراطوری خویش تا کنون مدها ۱۷ شهریور آفریده است، غافل از آنکه توده های آبدیده شده در کوره انقلاب مجال استقرار هرگونه دیکتاتوری را در هر نوع آن نه تنها بلکه خمینی و اعوان و انمارش بلکه به تمامی آنانکه رؤیای کسب قدرت را چون خمینی در بند و بستهای پنهانی با امپریالیسم و ایادیش می بینند نخواهند داد. انقلاب سیر تکاملی خود را طی خواهد کرد و جایی برای سازشکاران و عوام فریبان در انقلابی که کارگران آنرا رهبری خواهند کردند نخواهد ماند.



پیروز جنتی
بیره روی شه هیدانی
بینجی شه لاور
نپروکه خانمی
باش هیرشی به کسی ریز در بندگی
جه شهری شیسلامی بو سار کوردستان
له ۲۸ گهلویزی سالی ۱۳۵۸ شه پوسی
شیدانی شورشگران به دهی -
خه لخالگی جه لگه دهستی پی کرده
ناری سنه هاوربانی تیگوشه
نیداشانی نه مر، کاک جه سده
و کاک شهر یاری تاهید، ککاک
جه میلی ره خه چالی، کاکناصری
سلیسی و ۵ لوی تیگوشه دیگه
به دهس به کرتی گبروانی جه
مهوری شیسلامی شهید گران.
له بیره وهری شه روگه قاره -
مانانه کی گلی کورد و شهواری -
شه هیدانی له خوین گهوزاوی گهل
ریز بگرین و دهتا روخاندهستی
جه مهوری شیسلامی و دامروزا شیسلی
جه مهوری دیکوکراتیکی خه لگه
ر لگای شه هیدانی سورخه لانی وه لانه
که مان، بهرنده بین.

بازگشتن مکتب خود، سازمان چریکهای فدایی ایران
راه اورا کتابچاری و ستم

پوزش!
در ریگای که ل شماره ۹ - صفحه
۳ ستون در سطر ۳۶ جا افتادگی
ستون مذکور سطر زیر تصحیح
میگردد
..... آیا وظیفه ما در شه جا و
تحت هر شرایطی میباید سازماندهی
و آگاهی کارگران و زحمتکشان باشد
یا خرده بورژوازی؟ آیا تشکیلات
بشمرگه سازمان میبایستی.....

سدرکه و توبی پروتته و دی شورشیگپانده کی گورد

حمله قهرمانانه پیشمرگان دلیر فدائی، به پایگاه قاقلاوا - منطقه بوکان

از صفحه ۴

از تعداد کشته شده ها و زخمی ها اطلاع دقیقی در دست نیست. شدت حملات پیشمرگان قهرمان فدایی به حدی بود که حتی دسته ای از مزدوران ارتشی و جاش و پاسدار که برای محافظت از پایگاه در به قسمت به کمین نشسته بودند فرصت عکس العمل پیدا نکردند و زیر آتش سنگین پیشمرگان رو فریسات خوردکننده مسلسل فدائیان به گوشه سنگرها خزیدند و توان مقابله از آنها طلب شده بود. مزدوران منتظر در پایگاه نیز پس از حملات پیشمرگان دیوانه وار و ها چو واج به اطراف تلیک کرده و با آتش ملامهای سنگین مانند توپ خمپاره و آر پی جی هفت سعی داشتند راه را بر پیشمرگان قهرمان سد کنند اما پیشمرگان دلیر فدائی پس از

موفقیت کامل در عملیات ضربتی خود همگی سالم به پایگاهها پشان باز گشته. پس از این حملات موفقیت آمیز دشمن زبون طبق معمول پیشرفتی خود به قصد انتقام جوشی مدتی مدید روستا ها و مناطق اطراف را زیر آتش توپ و خمپاره گرفت اما از این حملات جنون آمیز و ضد مردمی خود جز خشم و نفرت باز هم پیشتر مردم منطقه نصیبی نبرد و خوشبختانه به کسی آسیبی نرسید. صبح روز بعد روستائیان منطقه با شادی و سرور از پیشمرگان قهرمان استقبال نموده و بصورت غیرقابل وصفی جشنودی خود را از این اقدام قهرمانانه آنان ابراز داشتند.

از زمان چریکهای فدائی خلق ایران
شاخه کردستان
۶۲/۶/۷

پروشی از رویدادهای شهر آرمیه

- ۱ شهریور - شهادت فدائی خلیق یعقوب تقدیری (امیر) ۱۳۵۸
- ۲ شهریور - شهادت فدائیان خلیق ایرج سپهری ۱۳۵۲ و علی مهرشکاری ۱۳۵۸
- ۳ شهریور - قیام مردم ساپگون ۱۹۴۵
- ۶ شهریور - شهادت فدائی خلیق هاشم بابا علی ۱۳۵۴
- ۷ شهریور - شهادت فدائی خلیق اعظم السادات روحی آهنگران ۱۳۵۵
- ۸ شهریور - شهادت فدائیان خلیق پروین فاطمی ۱۳۵۴ - حسن عبادتی ۱۳۵۵

- ۱۱ شهریور - اعلام جمهوری د مکرانیک ویتنام شمالی ۱۹۴۵
- ۱۲ شهریور - شهادت فدائیان خلق پرویز داوری ۱۳۵۵ - غلامحسین بیگی ۱۳۵۶
- ۱۳ شهریور - پیروزی سالوادور آلنده ۱۹۷۰
- ۱۵ شهریور - شهادت فدایی خلیق عباس کابلی ۱۳۵۳
- ۱۶ شهریور - شهادت مجاهد خلیق مهدی رضایی ۱۳۵۱
- ۱۷ شهریور - جمعه خونین و اعلام حکومت نظامی در تهران و ا شهر دیگر - مرگ مائوتسه دون ۱۹۷۶
- ۲۰ شهریور - کودتای پینوشه در شیلی و سقوط دولت آلنده ۱۹۷۳
- ۲۳ شهریور - شهادت شیخ محمد خیابانی - ۱۲۹۹ قمری
- ۲۵ شهریور - شهادت رفیق جلیسل سید احمدیان
- ۲۶ شهریور - شهادت فدایی خلیق رفیق اصغر جزایری - کشتار فلسطینیها در اردن - سپتامبر سیاه ۱۹۷۰

بیاد صمد

از صفحه ۱۶



متن مبارزه امروزی جاریست صمد فرزندان زحمتکشان بود. با مردم و از میان مردم بود. عصاره پاکسی و شرافت، مظهر ایمان و صداقت بود. او نمونه بارز یکمارکسیست بود. صمد هر آنچه از مارکسیسم آموخت بر زندگی بیست میداد. کوره گداخته مبارزه و سختیها - آبدارش میساخت و در کارگاه تجربه صقلش میداد.

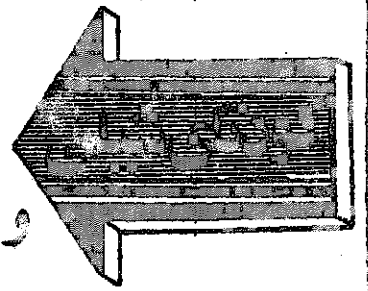
نوشتارهای صمد دست مایه زندگی و مبارزه اش میباشد. صمد در توده ها را شناخته بود. زندگی اش با زندگی توده ها عجین و تصویرگر درد و رنج از سوشی و مبارزه از سوی دیگر بود صمد با درک وسیع از دگرگونی بنیادهای اجتماعی، نوشته هاییش را برای چیز گفتن و صرفا بیان داشتن اندیشه های فردی اش عرضه نمیگرد. صمد در سراسر نوشته ها و آوازش سخن حرکت، تغییر دادن - ساختن، دگر سازی و دگرگونی را شایع مینمود. از اینرو آثار - صمد نه برای سرگرمی بلکه برای انقلاب بود. در افسانه دریا و ماهی سیاه کوچولو صمدی از قهرمانی، شجاعت و اراده و پشتکار عزم راسخ و فداکاری را در قالب آرمانخواهی انقلابی بنمایانگذارد. با تعمق در آن میتوان سه ژرفای اندیشه های سترگ صمد بی بسرد.

در کندوکاو در مسائل تربیتی نظام آموزشی و ویژگیهای فرهنگ منطقی استقامتی دستاورد امیرالیت ها را بیاد اشتقاد گرفت و شایسته از آموزش نوین و فرهنگ مترقی و بالنده را بیان داشت.

صمد بسیاری آثار ارزنده دیگر داشت اما بهترین اثرش زندگیش بود صمد عاشق توده ها بود از آنها میاموخت و با آنها آموزش میداد او نه در خود و برای خود بلکه در توده ها و برای توده ها بود. از احساسات و امید و آرزوهای توده ها سخن میگفت و برای توده ها مینوشت. از پیرامونش یادگاری و بی توجه نمیگذشت و نسبت به اطرافیانیش بی تفاوت نبود. همچنانکه صمد میگفت زندگی با مرگ من مهم نیست مهم این است که زندگی یا مرگ من چه تاثیریری بر روی دیگران داشته باشد.

رفیق صمد بهرنگی، آموزگار انقلابی، فرزند گرانقدر خلیق زندگی خود را وقت انقلاب و رهائی توده های زحمتکش میهنمان نمود. در انتها و عمق رود صمد یکام - آرس فرور رفت. صمد ستاره تند و دنباله دار باقی ماند. صمد جاودانه شد.

را بخوانید



شکست دولت آئنده و ورشکستگی فرمیسم

با زده شدن سپتامبر (ده شهریور) مفاد است با مالروز سرنگونی حکومت آئنده و استقرار دیکتاتور نظامی در شیلی. در یازدهم سپتامبر ۱۹۷۳ حکومت آئنده با یک کودتای نظامی که توسط سازمان جاسوسی آمریکا (سیا) طرح و بمورد اجرا گذارده شد، سرنگون گردید و ژنرال پیئوشه زمام امور شیلی را در دست گرفت. هر چند طرح و اجرای کودتاهای شیلی توسط امپریالیسم آمریکا چیز تازه‌ای نیست و تاکنون نمونه کودتاهای نظامی ساخته و پرداخته "سیا" بمرحله اجرا در آمده است، اما تجربه حکومت آئنده همچنین یکی از تجارب مهمی است که بنا بر دلائل مختلف از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. و طبقه کارگر و توده‌های زحمتکش باید از این تجربه تاریخی درس‌های لازم را بیاموزند.

چرا که این تجربه بخوبی ماهیت کاذب دمکراسی‌های بورژوازی پارلمانتاریستی و ادعاهای فرستاده‌های رویزیونیستها را مبنی بر قیض مسالمت‌آمیز قدرت و گذار نشان میدهد. هنگامیکه آئنده در ۱۹۷۰ به قدرت رسید، شرایط خودویژه‌ای بر شیلی حاکم شده بود. بورژوازی در مقابل بحران اقتصادی، سیاسی جامعه و رشد و اعتلاء و مفساد توده‌ای به حکومتی که رفرمیسم بورژوازی را در دستور کار قرار دهد تن داده بود. در آن شرایط جز این نمیتوانست کاری انجام دهد. بنا بر این حکومت آئنده بر مبنای جبهه اتحاد خلق که حزب کمونیست رویزیونیست شیلی، حزب سوسیالیست و حزب رادیکال سه پایه اصلی آنرا تشکیل میدادند طی انتخابات به قدرت رسید. پیروزی آئنده در انتخابات تمام رویزیونیستها، از جمله حزب کمونیست شیلی را بوجد آورد چرا که بزم آنها استفاده از ابزارهای مسالمت‌آمیز برای قبضه

قدرت سیاسی و گذار مسالمت‌آمیز در گوشه‌ای از جهان متحقق شده بود. اما حکومت آئنده هر چند که جنبه‌های ترقی خواهانه‌ای در خود داشت، اما اساساً یک حکومت بورژوازی رفرمیستی بود که می‌کوشید با انجام یک رشته رفرمهای تدریجی اصلاحاتی در نظام موجود پدید آورد. اما اساساً از سپردن ابتکار عمل بدست توده‌های انقلابی هراس داشت.

حکومت آئنده منادی سازش طبقه‌ای بود. هیچگونه برخورد قاطعی با مرتجعین نداشت، دستگاه دولتی بورژوازی را اساساً دست نخورده باقی گذاشت و بجای سپردن ابتکار عمل بدست توده‌ها به دستگاه بوروکراتیک نظامی موجود تکیه داشت. در پارلمان بورژوازی هنوز بسیاری از کرسیها در اختیار نیروهای ارتجاعی قرار داشت و تمام زمینها فراهم بود تا هرگاه کسی امپریالیسم و بورژوازی بزرگ را رها کند، بدون دمکراسی نیم بند خاتمه بخشیده و حکومت سرنوشت زرنالهای ارتجاعی را بجای آن قرار دهند و چنین نیز شد.

آئنده بنا بر درک رفرمیستی و انحرافی خود از مسئله دولت در انجام وظایف بلاواسطه یک انقلاب بلاواسطه، یک انقلاب تمام معنای خلقی تصور ورزید. و بدین لحاظ هرگز قادر نگشت راه را در مقابل امپریالیسم و مرتجعین داخلی و ارتش ضد خلقی که داشما در پی تخریب و توطئه بودند ببیند. از نظر مارکس: شرط مقدماتی هر انقلاب خلقی عبارت است از در هم شکستن و انهدام ماشین دولتی حاضر و آماده. انهدام ماشین دولتی یعنی سرنگ کردن و نابودی تمامی ارگانها و دستگاههای اداری و نظامی که بورژوازی با تکیه بر آنها سیادت طبقاتی خود را بر طبقات زحمتکش جامعه اعمال میکند. بدون انحلال ارتش و لغو سیستم بوروکراسی نمیتوان از انهدام ماشین دولتی سخنی راند. رهائی توده‌های زحمتکش بدون انقلاب قهرآمیز محال

است. این عماره بوز مارکسیسم نسبت به مسئله دولت است. اتحاد خلق در تمام طول مبارزه ۲۳-۱۹۷۰ هجرت در جهت قبضه کردن کل قدرت سیاسی و سپردن آوردن آن از زیر نفوذ بورژوازی و انحلال ارتش و تسلیم توده‌ها که گمان راه تعمیق انقلاب بود نام بردند. موضعگیریهای سازشکارانه در مقابل ارتش که بیانگر ماهیت طبقاتی اتحاد خلق بود در برخوردهای آئنده و حزب کمونیست رویزیونیستی شیلی کاملاً مشهود بود. از سوی آئنده ارتش ضد خلقی یک نیروی مردمی معرفی شد. نتیجه آنست که تمام ضرورت انحلال ارتش را با نگرانی نگاه استیلا و حافظ و پاسدار منافع و نظم زندگی عادی توده‌ها در لوای قانون عبارتند. معنی از ال سیکل ارگان حزب کمونیست شیلی (۱۹۷۰) با بستن دست

آئنده خرده بورژوا که بنا بر سرشت طبقاتی ش بین طبقه کارگر و بورژوازی در نومان بوده دولت را ارگان آشتی طبقاتی سپنداشت و سعی مینمود تا منافع طبقات متضاد را با هم آشتی دهد. نیروهای مسلح را مدافع منافع کل جامعه سیزد و در نهایت ماهیت بورژوازی دولت را از چشم توده‌ها پنهان مینمود. حزب کمونیست شیلی تمام بنات تمام اپورتونیستها که ایده سازش طبقاتی را تبلیغ میکنند ماهیت دولت یعنی اساسی ترین نکته مارکسیسم را مورد تعریف قرار میداد و با تبلیغ ایده‌های سازش طبقه کارگر را به مسلخ بورژوازی میبرد. از دیدگاه مارکسیسم طبقاتی دولت نه ارگان سازش طبقاتی بلکه ارگان قهر طبقاتی است. بنابراین ارگان ستمگری یک طبقه بر طبقه دیگر است. بر اساس همین ایده کلی بود که مارکس در ۱۸ برومصر صراحتاً اعلام کرد که تمام انقلابات بورژوازی باعث تکامل ارگانهای سرکوب شده‌اند و نشان انقلابهای واقعی خلقی آئنده را داغان کرده این ارگان سرکوب‌ناشته است. رویزیونیستها این دستاورد مارکسیسم را نیز مانند دستاوردهای دیگر از جوهر انقلابی شیلی و آنرا قابل قبول برای بورژوازی کرده‌اند. رفرمیستهای حزب کمونیست شیلی و اتحاد خلق بنا بر شیوه هم قطاران خود اساساً در استراتژی بدنبال اصلاح دمکراسی بورژوازی

کودتای شیلی، شکست ...

از صفحه ۱۳

بودند و تمهید داشتند تا شاید بدین طریق بتوانند نقش بایستی گسترده تر طبقه کارگر و توده های خلقی را در آن گسترش دهند. اینکین مفاهیم در خیلی ظاهرا به پاره های اتحاد و همکاری طبقه کارگر با قشرهای بورژوازی صنعتی متوسط و خرد بورژوازی در مبارزه علیه استعمار و امپریالیستی تبدیل شد. اما در واقع نقش مستقل طبقه کارگر در مبارزه طبقاتی ضعیف و یا - اصحاب میگردید. فقدان رهبری انقلابی طبقه کارگر نه تنها باعث شکست تا علیه امپریالیسم و سرمایه داری مبارزه قاطع و اقدامات ریشه ای صورت نگیرد و دست بورژوازی برای ترغیب طبقه دستاوردهای جنبش بهر گذاشته شود بلکه عوامل متعددی بر سر راه رشد انقلابی شیلی بر جای میماند.

حزب کمونیست شیلی طبقه اقدامات دولت آئنده را نظیر ملی گسردن شرکتها و بانکها - گسترش بازار داخلی، واگذاری اعتبارات گسیم بهر به سرمایه داری متوسط و کوچک تشکیل میگاری و افزایش دستمزدها اعزای مهم کارگران از در آمد ملی ... که فراتر از فرمهای بورژوازی نیز نبودند بنام - اقدامات امپریالیستی بخورد طبقه کارگر میدان. اما آنچه همیشه رفورمها را به حرکت پذیر کرد نبودن ارتکابهای اشتد نسودهی برای حفظ و پیشبرد دستاوردهای این دوره حاکمیت اتحاد خلق در نیلی بود. در عوض آنچه هر لحظه تهدیدی برای این دستاوردها محسوب میشد همانا دست نخوردن دولت بورژوازی و ارتش آمریکائی آن بود که دائما مترصد فرصت مناسب بود که به یکباره ضایعی این دستاوردها را باز پس بگیرد. بورژوازی با تمام توان

سیاسی و نظامی خود نه تنها با هرگونه تهدید و اقتدار کارگری و انقلابی بلکه با هر رفومی که ستافع آنرا در معرض خطر قرار دهد بمقابله بر میخیزد. که بالاخره در نیلی چنین هم کرد. در ۱۱ سپتامبر ۱۹۷۲ بورژوازی

بزرگ دست در دست انحصار است. امپریالیستی و مزدورانشان در نیروهای مسلح بعضی افسران و ارتدیان ارتش با یک کودتای خونین حکومت آئنده را سرنگون ساختند و یک دیکتاتوری فاشیستی و فریسان روی کار آوردند.

اهداف برقراری دیکتاتوری نظامی صورت بودند از آن حل بحران اقتصادی - ایجاد شرایطی برای حل بحران درونی بورژوازی ارتدیری اصلاح رژیم ملی سرمایه داری وابسته بزرگ. کودتا علاوه بر سرنگونی آئنده و تلاش برای نابودی مضراتی که دولت رفومستی اتحاد خلق بر منافع بورژوازی داشت یک هدف دیگر را نیز دنبال مینمود و آن اینکست شرایطی فراهم شود تا بورژوازی بتواند اصلاح خلقی و اقتصادی دیکتاتوری دستاوردهای مبارزاتی توده ها را نابود و امکان قدرت بایستی نیروهای واقعا انقلابی را بر درون جامعه مد نماید.

بعد از کودتای حزب کمونیست کسه خود با پیش گرفتن سیاست انضلال پرولتاریا و بورژوازی و تبدیل شدن به یک آئنده بورژوازی مسلط توده های وسیع و طبقه کارگر را منفعیل و قدرت آنها را ضعیف نمود و بزرگترین نقش را در عدم تا مین شرایط لازم برای پیشبرد از موفقیت طبقه بورژوازی پس داده داشت. مسئولیت شکست دولت آئنده را بر عهده میر (جنبشی چپ انقلابی) همچنان همزمان با او و چپ انداخت و مدعی شد که او را با

و تحریکات این جریان (میر) انگیزه حرکت برای کودتا نبود. در حالیکه بنا بگفته خود این حزب میر در آن دوران جریسان ضعیف و کوچکی بود. میر (جنبشی چپ انقلابی) که در سال ۱۹۶۵ بنیانگذار آن شده بود طی دوران ۷۲ - ۱۹۷۰ در لسوای حمایت - شروط ضمنی افشای ضربت از لزلر حکومت ملی اتحاد چپ و در برابر قدرت و تعدی بورژوازی و امپریالیسم توانست رشد و پیشروی کند. میر در تمام این دوران - بیشترین توان خود را صرف سازماندهی توده های زحمتکش حاشیه نشین شهرها و طبقه کارگر و افشار زحمتکش نمود و همچنین از همه میر یکی از جریسان فاشیستی بود که توانست سازماندهی و مقاومت توده های را علیه کودتای

نظامی بیشتر در همینان در شرایط کودتای فاشیستی، ارتباط خون را با توده های زحمتکش حفظ کند.

آئند و امکان آئنده میر در ساحتی بنام "سازمان فدائی خلق" در فتنه انقلاب آن با استیضای خود در زمان دولت آئنده خلق بر بسیاری سالوادور آئنده است. دولت اتحاد خلق را چنین بیان داشت: "طبق نظر میر اتحاد خلقی دقیقا بدین طریقت سقوط کرد کسه دولت نماینده آن دولتی انقلابی نبود آنچه درون اتحاد خلق فلیه دولت صورت بود از سیاستهای رفومستی، اعتقاد با امکان عدم بایستی به سرمایه داری از طریق یک رشته اصلاحات در چهار چوب دولت بورژوازی و گرواچی به جازقی است دشمنان، توجه در مورد امکان اختلاف با اقتدار بورژوازی - (دمکرات سوسی) و اعتقاد دیموکراتیک به تاخیر برستی و حرفه گرواشی افراد نیروهای مسلح ارتجاعی در مقابل و اتحاد خلق باید قدرت خویش یعنی علمایست توده های زحمتکش را از دست داد. رفسران رفومست بدنسالی خواسته سازش با بورژوازی شد و امپرشرفت توده های شدت را با رفت قدرت - سیاسی نظامی خلق به مخالفت برخواستند. قوهضات تا نوربرستی را در میان توده ها افشاد و آنان را گمراه و خلق سلاح کردند و بدین طریق شرایط بورژوازی گردتا فراهم گشت.

کودتای نظامی و شکست آئنده یکبار دیگر مطلقا سبب سبب رفورمستی تنوری گذار مالیات امین و مارش با دشمنان طبقاتی و حقانیت تنوری بود که از دیدگاه مارکسیسم - لنینیسم را با توده ها رسانید.



مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دموکراسی جدا نیست

داری شازادی

داری شازادی به خوتن تار و نهدوق فندک...
 هر به خوتنی بسی فیه، کاری که بعد...
 بیار که نمی بود به ندنی...
 هر (بروغی) بهی بهیسه، تا کوند...
 کوند شهگرد چی مودتکه دیل و...
 باوردت بیج روحی عیلمی هر شه...
 شو شهگرد شیلچی قهوم و...
 لیت موعه قهوق بیج به بیج...
 بیج شازادی جیهانی گر شه...
 شه نیراهه کتونه تا کدی؟...
 شهت سالتین دوژمن به شه...
 شهت شافقتان گدر شه بیج...
 شهت شیرانه خوشه رسته خاک...
 تا عهتی ده سگینه بیج لسه...
 شهت و سنی شهردرو به شه...
 شهت بهر چونی له دیلی، مه...
 شهت ریاستی هر دولا شامانی...
 شهت مدعلوسه به شه...
 شهت گولاندی کدوته لوتی...
 شهت که سنی شهت به زورنا...
 شهت دوسیتی کورد ولوی و...
 شهت نا عهدی رویره شه لسه...
 شهت ساریمتا بیج کدی...
 شهت شهت به پستاندها به...
 شهت لور و نوزک به ره ب دانراوه

یاد شهدای

روستای فارنا گرامی باد

رژیم جمهوری اسلامی که از...
 ابتدای بدست گرفتن حکومت و...
 انقلاب خونین مردم ایران تا...
 خود را بر سرز بگماه از بیروز...
 قیام نکوهش می کند بسیاران و...
 کشتار مردم بیگناه صفتی در ۲۷...
 اسفند ۱۳۵۷ نشان از آفتاب...
 گره را مینوی بر کتبی شهت...
 بر نوشت اعلام داشت خلق کرده...
 که خواست عادلانه و بر حق او...
 تو شهت چنین حکومتی بر آورده...
 نخواهد شد و از همان ابتدا...
 مقاومت خود را مستحکمتر...
 در یورش اول رژیم جمهوری...
 اسلامی بگردان شهت و...
 اش باوج خود رسد تا سر آراد...
 برادین خلق کرد در دردم...
 به اعدام انقلابیور و بسیاران...
 مردم سدفاع شهت اکتفا نکوه...
 و بیگانه زهنگشان روستاها را...
 نیز از یورش وحشیانه اش بی...
 نگذاره فاجعه روستای فارنا که...
 دست کم ۶۵ تن از روستا...
 زهنگش آن بر از شکنجه ها و...
 ننگ گردیدند، هر انداز آزادهای...
 با انتشار و قالم و داشت...
 اوماشان و جافوکشان از...
 به این روستا خاطره قتل عام...
 فلسطین را در دیر یاسین و...
 زهر توسط میوه شیتها تا...
 بگرد، اما قتل عام مردم...
 اولین جنایت رژیم بود...
 قتل، فحاشی و کتبی...
 شهت، کتبی قام شهت شهت...
 و شهت و شهت روستای...
 کورستان آفرید، رژیم...
 شهت دشمن خلق کرد شهت و...
 امروز هر کوشه از این خاک...
 خون نشسته، از شهت...
 شهت تا جنکلهای سرخ...
 بر زمین تبار خورشتن...
 های خاکی روستاهای...
 شهت تا شهت، در...
 شهت که شهت شهت...
 شهت این رژیم شهت...
 خونهای باکی که امروز...
 انقلاب روان است با...
 خلق در هم خواهد...
 شهت جباران و...
 شهت های شهت...
 شهت خواهد...
 گرامی باد شهت...
 فارنا و شهت شهت...

سفارت ژاپن عوردهتها جهر زهنگان عدالتی جلیق قراگومت

در آخرین لحظاتی که نشی نامه، چاپ بود...
 اعضا قراگوم اد های اسارت جهر رژیم...
 سفارت ژاپن در تهران بود...
 فدائی قراگومت شهت...
 گل به اطلاع خلق تهران کرد...

کردستان، کردستان پاینده یاد عزت، پیروز باد رزم

یورش وحشیانه رژیم به منطقه گورک مهاباد با مقاومت سرسختانه پیشوگان قهرمان و پروگردید

روز ۱۲ شهریور ماه جاری ، نیروهای سرکوبگر پهلوی با ۵۰۰ نفر مرکب از ارتش ، پاسدار ، بسیج و جانشینان خود فروخته از ۵ جبهه ، گارلان (واقع در جاده سردشت مهاباد) سوی ناس (واقع در چند کیلومتری جاده سردشت به مهاباد) میروده (واقع در جاده سقز - پانه) تورجان و شهریکند واقع در جاده فرعی بوکان به منطقه گهورک ، مهاجم وسیعی را علیه مناطق آزاد شده آغاز کردند ، دشمن با رفاقت و درنده خوشی تمام روستاهای مسیّر را با اسلحه های سنگین (گاتوشا - خمپاره ها) از ۱۳ تا ۱۴ شهریور بمباران توپ (۱۰۶) مورد وحشیانه ترین عملیات قرار داد ، نیروهای پهلوی دشمن در حمایت ، هلیکوپتر های آمریکایی شروع به پیروی در صفحه



صد چهره ای آشنا و ماندگار در تاریخ مبارزات انقلابی نوین خلق است . او نه تنها یک معلم و نویسنده انقلابی بلکه سمبل و نگوی انقلابیون مین ما است . صد اسلوره واقعی و آینه تمام نمای یک کمونیست فداکار بود . خود را باید در اندیشه ، زندگی مبارزاتی و آثارش شناخت . زندگی افسانه ای صد با ارس آغاز گردید در سکوت مرکب دشت حرکت یافت . از دره ها گذر کرد ، از کوهها بالا رفت و در تنگی شتاب گرفت . با غره ها بستیز برخاست و از پیچ و خمها گذشت . کوره راهها را پشت سر نهاد مانند طوفان چرخشید و پیچید . دیار به دیار گشت . و از آشنا و غریبه سراغ گرفت ، هر ناگذا آبايي را شناخت و از دورترین قریبه های آذربایجان سر در آورد . در دوران تب و تاب و ظلمت در سیاه شب خوفناک دیکتاتوری صد مشغول شد فرزوان ، هر کجا رفت نور امید در دلها نهان شد . آموزگار سرخ زندگی شد و بنام یک معلم آگاه انقلاب در کنار کودکان آذربایجانی کلاس آموختن را گشود . اما کلاس صد نه در محیط یک اتاق مدرسه ، بلکه در تمامی پهنه مین بود که کلام صد جاری میشد . درسهای صد و هر آموختن آن خود پهنه ای بود جانبخش . مگر صد چه میگفت که هر کس در مبارزه قدم میگذارد از او آغاز میکرد . چه میگفت که گفتارش از گرمی نیافتاد صد که بود و چه کرد کس که ندیده های پیش مداوم و هنوز هم در

در صفحه ۱۲

یاد فدائی شهید ، رفیق سعیده گرمیان گرامی باد .

سمرگاه روز ۱۱ شهریور ماه سال جاری فدائی شهید ، رفیق سعیده گرمیان در حالیکه ۱۶ بهار از زندگی اش را سپری نکرده بود همسراه ۱۳ رزمنده انقلابی دیگر در شهر سقز بجوخه ، عدام میرده شد ، مسما فن محکوم کردن این جنایت بیگانه رژیم ددمنش جمهوری اسلامی به خانواده این شهدا ، خلق کرد و همسنگران شان تسلیمت میگوئیم و تمام سرنگونی رژیم چهاران و حامیان امپریالیسم و تا پیروزی نهائی

یکسال از شهادت رفیق آگاه ، رزمنده جنگینا پذیر پیشمرگ قهرمان ، فدائی شهید رشید یزدانیپناه (سکو) گذشت . خاطره دلآوریهای رفیق ، پیگیری مبارزه او در راه رهایی کارگران و زحمتکشان و نبردهای حماسی اش در جنبش انقلابی خلق کرد همواره جاودان خواهد بود . رفیق سکو در سالهای پیش از قیام خونین ۵۷ بمبارزه بر علیه امپریالیسم و ایادین برداخت و به همین منظور تصمیم به شرکت در جنبش دگرانیک کردهای عراق گرفت ولی در مرز سومط مزدوران شاه دستگیر و زندانی شد پس از مدتی از جنگ دزخیان شاه رها بسی یافت و فعالیت خود را در صفوف دانش آموزان با پیش کتب و نشریات انقلابی ادامه داد ، به هنگام اوجگیری جنبش توده ها بر علیه رژیم منفور پهلوی در بسیج و سازماندهی دانش آموزان و مردم شهر بوکان نقش بسزایی



سعیده گرمیان

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی ، برقرار باد به شور و دگرانیک خلق